

واکاوی ارتباط حریم خصوصی اشخاص با امر به معروف و نهی از منکر

محمدمهدی کریمی نیا^۱، محمد رضا باقری مفرد^۲، مجتبی انصاری مقدم^۳

^۱ استادیار و عضو هیأت علمی دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم (نویسنده مسئول)

^۲ کارشناسی ارشد علوم حدیث، گرایش نهج البلاغه، دانشگاه قرآن و حدیث قم

^۳ دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث دانشگاه میبد، مدرس دانشگاه و پژوهشگر

چکیده

انقلاب اسلامی پدیده منحصر به فرد قرن بیستم بوده و موجب تحول در تمام زمینه ها و عرصه های فکری و دینی شده است. امر به معروف و نهی از منکر و رابطه آن با حریم خصوصی افراد از مباحث مهم است. حریم خصوصی، محدوده زندگی شخصی هر فرد است که مایل نیست دیگران بدون اجازه وی به آن دسترسی داشته باشند. مهم ترین قلمرو و محدوده حریم خصوصی عبارت است از: منازل و اماکن خصوصی، جسم افراد، اطلاعات، ارتباطات و مانند آن. «حریم اشخاص» یا «حریم خصوصی» و یا «حق خلوت» از مباحث مهم و جدید حقوق محسوب می شود و تقریباً در ادبیات حقوقی و یا در قوانین بسیاری از کشورها مورد توجه قرار گرفته است. در تعارض بین رعایت «حریم خصوصی» با «منافع عمومی»، رعایت حریم خصوصی با استثنا مواجه است. محدودیت ها و استثنای این اصل، توسط شارع و قانون گذار معین می شود. بین اصل رعایت حریم خصوصی افراد و امر به معروف و نهی از منکر تعارضی وجود ندارد.

واژه های کلیدی: حریم خصوصی، حریم عمومی، قلمرو حقوقی امر به معروف، امر به معروف و نهی از منکر.

(۱) مقدمه

انقلاب اسلامی پدیده منحصر به فرد قرن بیستم بوده و موجب تحول در تمام زمینه ها و عرصه های فکری و دینی شده است. امر به معروف و نهی از منکر و رابطه آن با حریم خصوصی افراد از مباحث مهم است. حریم اشخاص یا حریم خصوصی از مباحث مهم و جدید حقوق محسوب می شود. امروزه با تحول و توسعه روابط انسانی و پیشرفت های فن آوری، حریم خصوصی و خلوت اشخاص بیش از پیش در معرض آسیب ها و مخاطرات قرار گرفته است. حریم خصوصی، محدوده ی زندگی شخصی هر فرد است که مایل نیست دیگران بدون اجازه ی وی به آن دسترسی داشته باشند. مهم ترین قلمرو و محدوده ی حریم خصوصی عبارت است از: منازل و اماکن خصوصی، جسم افراد، اطلاعات، ارتباطات و مانند آن. حریم خصوصی که گاه از آن به «حق خلوت» یاد می شود، یکی از حقوق اساسی بشر است، که وی را در مقابل تعرضات دیگران به زندگی خصوصی اش و نیز مداخلات ناروای دولت ها مورد حمایت قرار می دهد. این حق که ارتباط تنگاتنگ و عمیقی با حفظ کرامت، حیثیت، شخصیت، توسعه ارتباطات شخصی، خود مختاری و استقلال فردی، توسعه الفت و صمیمیت بین افراد و دیگر ارزش های مهم بشری دارد، امروزه جایگاه ویژه ای در مباحثات حقوقی و سیاسی دنیا دارد؛ به طوری که همواره به عنوان یکی از نمودهای دموکراسی و حقوق بشر در عصر حاضر مطرح بوده و هست. در این میان «امر به معروف و نهی از منکر» یا «حق نظارت عمومی» یکی از مهم ترین واجبات اسلامی است، که شریعت اسلام برای آن اهمیت ویژه قائل است. مهم ترین پرسش این است که آیا اجرای این دستور الهی، به معنای نادیده گرفتن حق حریم خصوصی افراد نمی باشد؟ آیا هرگاه فردی، دیگری را به کار نیکویی تشویق نماید، یا از عمل ممنوعی باز بدارد، در حریم خصوصی وی دخالت نکرده است؟ و به طور کلی، چه نسبتی بین «امر به معروف و نهی از منکر» با «حریم خصوصی» وجود دارد؟ برای تبیین این رابطه یا نسبت، لازم است در ابتدا، تعریف حریم خصوصی، اهمیت و ضرورت حریم خصوصی و نیز مبانی و دیدگاه اسلام و غرب در این باره بیان گردد.

(۲) تعریف حریم خصوصی

حریم خصوصی از حرمت به معنای منع است. فرهنگ عمید در تعریف آن می گوید: آن چه حرام شده، و مس آن جایز نباشد، پیرامون و گرداگرد خانه و عمارت، مکانی که حمایت و دفاع از آن واجب باشد. (۱) «خصوصی» به معنای اختصاصی، شخصی، ویژه و خاص. (۲) از آن جایی که «حریم خصوصی» یک اصطلاح جدید است، تعریف لغوی از آن در کتب لغت نیامده است. در هر حال، معنای لغوی آن تا اندازه ای روشن است. آن چه مهم است این است که از نظر حقوقی یا سیاسی «حریم خصوصی» به چه معنایی است و شامل چه مصادیقی می باشد؟ علی رغم این که حریم خصوصی به عنوان یکی از ملموس ترین و عینی ترین و پرکاربردترین حقوق برای هر فرد شناخته شده است، ولی هنوز صاحب نظران برجسته ی دنیا نتوانسته بر سر یک تعریف واحد، به توافق برسند؛ به گونه ای که وزیر دادگستری هلند به نام «پلاک» (۳) در کنفرانس ششم وزرای ششم دادگستری اروپایی اعلام می کند: «حریم خصوصی میدان وسیعی است که نمی توان چارچوب آن را مشخص ساخت» (۴).

۱- حسن عمید، فرهنگ عمید، ج ۱، واژه حریم.

۲- همان، واژه خصوصی.

۳- Mr. polak.

۴- عبد اللطیف الهمیم، احترام الحیاة الخاصة، ص ۱۶.

دلیل این امر، آن است که حریم خصوصی یک مفهوم کشدار و وسیعی است که این امر در زمان‌ها و مکان‌های مختلف، متفاوت می‌باشد و حریم خصوصی نسبت به همه افراد یکسان نیست. از طرف دیگر، حریم خصوصی محکوم عادات اجتماعی و اخلاق جوامع بشری است و این گونه امور در جوامع مختلف، یکسان نیست. طبیعی است ارزش‌ها، عادات و رسوم جوامع با یکدیگر متفاوت است؛ بنابراین، حریم خصوصی یکسان نیست (۴). عدم وجود یک تعریف کامل، نشان از کم‌اهمیتی این مفهوم نیست؛ تا آن جا که نویسندگان اعلام می‌کنند: «تمام موارد حقوق بشر، جنبه و ابعادی از حق حریم خصوصی است.» (۵) در دهه‌ی ۱۸۹۰م. یکی از قضات دادگاه عالی ایالات متحده آمریکا به نام «لوئیس براندیس» (۶) در مقاله‌ای به نام: «حق مصونیت حریم خصوصی» برای اولین بار این مسأله را به عنوان یک بحث جدی و صریح حقوقی مطرح و حریم خصوصی را «حق افراد برای تنها بودن» تعریف کرد. به نظر او، حریم خصوصی، جزو شکننده‌ترین حقوق است و موارد حمایت از آن، باید در قانون اساسی مورد اشاره قرار بگیرد. پس از این اولین تعریف، در تعاریف دیگری، حریم خصوصی را محرمانگی؛ یعنی حق پنهان ساختن بعضی از امور از دیگران، صحبت و نزدیکی، حق گمنام ماندن و حمایت از کرامت انسانی دانسته شد.

به نظر می‌رسد تعریف کمیته‌ای به نام «کالکات» (۷) در انگلستان بیش از سایر تعاریف توانسته است ابعاد مختلف این مفهوم را پوشش دهد. این کمیته در این زمینه معتقد بود: علی‌رغم این که هنوز تعریف خوب و قانع‌کننده‌ای از حریم خصوصی پیدا نکرده است، اما تعریف زیر را به عنوان تعریف قانونی می‌پذیرد: «حق افراد برای حمایت شدن در مقابل وارد شدن بدون اجازه به امور و زندگی افراد و خانواده‌هایشان، با ابزار مستقیم فیزیکی یا به وسیله‌ی نشر اطلاعات» (۸). عده‌ای از حریم خصوصی به عنوان: «حق نظارت بر افشای اطلاعات شخصی» می‌دانند و ریشه‌ی آن را برگرفته از حقوق قدیم دانسته که نشأت گرفته از حق مالکیت افراد و لزوم محترم شمردن آن است؛ درحالی که بعضی از صاحب نظران از این حق به عنوان حق پنهان کردن حقایق زندگی شخصی از دیگران یاد کرده‌اند. (۹) از تعریف فوق ایراد گرفته می‌شود که چون این تعریف فاقد مؤلفه‌های حقوقی است، بهتر است، گفته شود: حق حریم خصوصی مواردی از زندگی انسان است که از سوی دیگران غیرقابل تسخیر است. بنابراین، برخی از صاحب نظران از آن به عنوان «حق مصونیت» و حق انسان نسبت به امور شخصی خود یاد کرده‌اند. با عنایت به تعاریف فوق، به نظر می‌رسد که در تعریف این حق باید مؤلفه‌های چندی را مدنظر قرار داد: اول، آن که قلمرو این حق ناظر به مسایلی است که صرفاً در حیطه موضوعات شخصی افراد بوده و ذی‌حق به هیچ وجه تمایلی به افشای آن نداشته باشد. بنابراین، با غیر شخصی شدن این موضوعات و وجود ارتباط بین آنها و جامعه، دیگر نمی‌توان از آن به عنوان یک حق اختصاصی یاد کرد؛ دوم، آن که افشا شدن بخشی از اطلاعات خصوصی افراد و نقض حریم شخصی آنها نمی‌تواند موجبی برای افشای بقیه اطلاعات و یا توزیع و انتشار مجدد بخش فاش نشده باشد. بنابراین، می‌توان حق حریم خصوصی را به عنوان قلمرو

۵- همان .

۶- ر.ک: مهدخت بروجردی، حریم خصوصی در جامعه اطلاعاتی، ابرار اقتصادی، ش ۱۰.

7-brandeis louis

8-culcutt committee

۹- ر.ک: مهدخت بروجردی، پیشین.

۱۰- ر.ک: شبکه‌های اطلاعاتی جهانی ونفس حقوق بشر باتأکید بر حق حریم خصوصی، جهان اقتصاد، ۱۳۸۳/۵/۱۹، ص ۱.

اطلاعات کاملاً شخصی که ارتباطی با جامعه به طور عام ندارد تعریف نمود. بدیهی است این موضوعات ممکن است بر اساس قواعد و مقررات عمومی تابع شرایط خاصی بوده باشد و یا در صورت وجود شرایطی خاص در اختیار اشخاص دیگر قرار گیرد، اما هیچ کدام نمی تواند دلیلی بر افشای عام این اسرار و مطالب باشد که در محدوده‌ای کوچک تر افشای آن، ممنوعیت خاصی را در پی ندارد. (۲) حریم خصوصی یکی از بنیادی ترین و اساسی ترین حقوق بشری تلقی شده و با شخصیت انسان ارتباط مستقیم و تنگاتنگ دارد. از این رو، حریم خصوصی را با تعبیر دیگری نیز معرفی کرده اند؛ مانند: « حق انسان به تنها بودن و با خود بودن » (۱۴) « به وسیله دیگران مورد احترام قرار گرفتن » (۱۵) « به دور از چشم و نگاه کنترل کننده‌ی دیگران و رها از تجسس و تفتیش دیگران زیستن ». (۱۶) به دلیل صعوبت تعریف حریم خصوصی، برخی سعی کرده اند مصادیق و نمونه‌هایی را برای حریم خصوصی ذکر کنند:

۱- ممنوعیت ورود به زندگی شخصی، خانوادگی یا منزل؛

۲- ممنوعیت ورود به آزادی جسمی، عقلی و فرهنگی؛

۳- ممنوعیت شنود و استراق سمع؛

۴- ممنوعیت افشای اسرار زندگی شخصی؛

۵- ممنوعیت سوء استفاده اسم، شخصیت و شکل افراد؛

۶- ممنوعیت تجسس، پاییدن و مراقبت؛

۷- ممنوعیت افشای نامه‌ها مراسلات. (۱۵)

نیز عده ای به دلیل صعوبت ارائه یک تعریف برای حریم خصوصی، تلاش نموده اند برای معرفی ابعاد مختلف حریم خصوصی، تعاریف متعددی را برای آن ارائه دهند :

حریم خصوصی، عبارت است از حق بر تنها ماندن؛

حریم خصوصی؛ یعنی دسترسی محدود دیگران به انسان و توانایی ایجاد مانع در برابر دسترسی‌های ناخواسته و ناخوانده به انسان؛

۱۱- همان.

۱. The right to be left alone .

۲. The right to be treated with discretion or to privacy .

۳. The right to keep one s

۱۵- ر. ک : عبد اللطیف الهمیم، احترام الحیاة الخاصة، ص ۱۶.

حریم خصوصی؛ یعنی محramانگی و پنهان ساختن برخی امور از دیگران؛

حریم خصوصی؛ یعنی کنترل بر اطلاعات شخصی؛

حریم خصوصی؛ یعنی حمایت از شخصیت و کرامت؛

حریم خصوصی؛ یعنی حق بر عالم صمیمیت و کرامت انسان‌ها. (۱۴)

وجود چنین معضلاتی، موجب شد این سؤال مطرح شود که: آیا حریم خصوصی، هویت مستقلی دارد و یا اینکه در قلمرو سایر حقوق محسوب می شود و هیچ گونه هویت مستقلی ندارد. در صورت دوم، باید گفت: در اسناد گروه حقوق بشری، عنوان جدایی از سایر حقوق برای این مفهوم وجود ندارد؛ بلکه آن چه وجود دارد، حقوقی است با محدوده و قلمروهای خاص که به این قلمروها، حریم خصوصی اطلاق می گردد. (۱۷)

از مجموع مطالب پیش گفته، می توان حریم خصوصی را به این صورت تعریف کرد: قلمروی از زندگی فرد است که آن فرد نوعاً و عرفاً یا با اعلان قبلی انتظار دارد دیگران بدون رضایت وی به اطلاعات راجع به آن قلمرو دسترسی نداشته باشند، یا به آن قلمرو وارد نشود، یا به آن قلمرو نگاه یا نظارت نکنند، یا به هر صورت دیگر، وی را در آن قلمرو مورد تعرض قرار ندهند؛ منازل و اماکن خصوصی، جسم افراد، اطلاعات شخصی و ارتباطات خصوصی از مهم ترین مصادیق حریم خصوصی هستند. ورود بدون اجازه به منازل و اماکن خصوصی، ایست و بازرسی ها و تفتیش های بدنی، رهگیری انواع مکالمات و ارتباطات، دسترسی به اطلاعات شخصی، افشای مسائل خصوصی در جامعه، تجسس در امور دیگران نیز از مهم ترین مصادیق نقض کننده ی حریم خصوصی محسوب می شوند.

۲) اهمیت و ضرورت حریم خصوصی

«حریم اشخاص» یا «حریم خصوصی» و یا «حق خلوت» از مباحث مهم و جدید حقوق محسوب می شود و تقریباً در ادبیات حقوقی و یا در قوانین بسیاری از کشورها مورد توجه قرار گرفته است.

اگرچه این گونه مباحث به صورت پراکنده و موردی در قوانین مختلف، مانند: قانون اساسی، قانون مدنی، قانون مجازات کشورها آمده است، اما سمت و سو کشورها به طرف تدوین قانونی مستقل تحت عنوان: «قانون حریم خصوصی» می باشد. در قوانین کشور جمهوری اسلامی ایران نیز به صورت پراکنده، حریم خصوصی افراد مورد تأکید قرار گرفته است، ولی هنوز قانون مستقلی تحت عنوان فوق تدوین نشده است. از آن جایی که نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران مبتنی بر شریعت اسلام می باشد، این پرسش اساسی خودنمایی می کند که در نظام اسلامی، حریم خصوصی اشخاص و مصونیت افراد، چه جایگاهی دارد؟

۱۶- ر. ک. دکتر باقر انصاری، حقوق حریم خصوصی، ص ۱۲-۱۳.

۱۷. مسعود راعی، حریم خصوصی و امر به معروف و نهی از منکر، مجله حکومت اسلامی، سال دوازدهم، ش ۲، تابستان ۱۳۸۹، ص ۱۱۶-۱۱۷.

وضعیت مبهم و ناشناخته این حق در سیستم حقوقی جمهوری اسلامی ایران در حالی است که پیشرفت علم و تکنولوژی، وسایل و روش‌های جدیدی را جهت مداخله در خلوت و حریم خصوصی انسان‌ها در اختیار افراد سودجو، اخاذ، مغرض و سواستفاده طلب قرار داده است.

دین اسلام نقش مهمی در ایجاد ضوابط و معیارهای لازم در روابط اجتماعی دارد. از یک طرف، به حریم خصوصی افراد توصیه می‌کند و از طرف دیگر، به لزوم امنیت جامعه اسلامی تأکید دارد؛ چه این که با رعایت این دو، زندگی و تعامل اجتماعی، مسیر استوار و صحیح خود را طی خواهد کرد.

حفظ حریم خصوصی افراد از مهم‌ترین نیازهای بشری است که دولت‌ها موظفاند با تصویب قوانین و حقوق مناسب در این زمینه، پاسخگوی این نیاز اجتماعی باشند؛ زیرا شهروندان در صورتی احساس امنیت و آرامش می‌کنند که زندگی شخصی خویش را از هرگونه تعرض و تجاوزی مصون بدانند. بنابراین، حفظ حریم خصوصی افراد به منظور حمایت از آزادی‌های اجتماعی، سیاسی و آزادی‌های بیان و عقیده صورت می‌گیرد تا شهروندان با احساس امنیت بتوانند در جامعه براحته زندگی کنند و از ابراز عقیده و بیان خویش نهراسند؛ در این صورت، قطعاً زمینه‌ی مشارکت و همکاری مردم با مسئولان بهتر فراهم می‌شود و از بروز هرگونه هرجو مرج و نا امنی در جامعه جلوگیری می‌گردد.

۳) پیشینه علمی و مرور ادبیات موضوع حریم خصوصی

نظری واقع بینانه به نیازها و مطلوب‌های بشری مؤید آن است که اصولاً جز در پرتو جمعیت، بقا و نیل به کمال برای انسان متعسر می‌باشد و حیات او، حتی با خطر نابودی و فنا روبه رو است. لذا می‌توان گفت که نیاز به زیست جمعی از مختصات و ویژگی‌های فطری و غریزی اوست.

این ویژگی فطری و یا حداقل غریزی در نوع بشر با صفت ذاتی دیگری که در او وجود دارد؛ یعنی میل به رهایی از قیود و محدودیت‌های و میل زیاده‌خواهی وی در تعارض و تزاخم می‌باشد؛ چرا که بشر تمایل بدان دارد که هیچ کس بر او مسلط و اختیاری (حتی در حد تحت نظر گرفتن و به اصطلاح رایج، پاییده شدن) نداشته باشد. اگر تنها یک تن در عالم خاکی وجود داشته باشد و دیگران نبود شوند، حداکثر رهایی و برخورداری برای آن یک نفر حاصل می‌شود، ولی پر واضح است که این امر با صفت اجتماعی بودن او و نیاز وی به دیگران برای تداوم بقا در تزاخم می‌باشد. بنابراین، باید گفت که ره‌آورد اولین تجربه بشری در تشکیل جامعه، با کشمکشی مهم و سرنوشت ساز میان دو نیاز مذکور (میل به رهایی و نیاز به زیست جمعی) مصادف گشت و انسان‌ها از دست دادن خلوت و تنهایی پیش داشته خود را، به قیمت بهره‌مندی از منافع حیات جمعی تجربه کردند. از منظر تاریخی، تشکیل حکومت و دولت در شکل منسجم و متمرکز آن ضربه‌ای دیگر بر این مطلوب و داشته بشری زد؛ زیرا حکومت با قدرت فراوان و غیر قابل مقابله‌ای که در اختیار داشت، بیش از پیش، خلوت و حریم شخصی انسان‌ها را تهدید می‌نمود.

با این مقدمه، روشن می‌شود که سابقه و قدمت مبانی و کلیات مربوط به حریم خصوصی، اصولاً و بالقوه به زمان تشکیل اولین اجتماعات و اولین حکومت‌های بشری بازمی‌گردد (۱۸).

اندیشمندان، حقوق‌دانان و فلاسفه از دیرباز در پی یافتن توجیه‌ها و تحلیل‌های مبنایی برای صیانت از حق انسان‌ها در بهره‌مندی از حریم خصوصی، بویژه حریم خصوصی منازل و اماکن و حریم خصوصی جسمانی ایشان بوده و نظریاتی نیز در این زمینه عرضه داشته‌اند. برخی نویسندگان و صاحب نظران حقوقی، سابقه این حق را به دوران رم و یونان باستان نسبت می‌دهند و منشأ آن را همان لزوم رعایت حق مالکیت نسبت به اموال مادی می‌دانند. در رم باستان، عملی که حرمت و حیثیت انسان‌ها را مخدوش می‌کرد، به عنوان یک فعل مجرمانه تلقی می‌شد. مشابه آن در اسکاتلند وجود داشت که فعل مضر به شخصیت افراد، فعل مجرمانه تلقی می‌شد (۱۹). رانجیل، اشارات بی‌شماری به این موضوع شده و در قوانین یهود، از دیرباز مکتوم ماندن مسائل شخصی از انظار دیگران، به رسمیت شناخته شده است. در چین باستان و یونان نیز، مصونیت‌هایی در این زمینه وجود داشته است. درسوگند بقرات که به ۳۰۰ سال قبل از میلاد بر می‌گردد، پزشکان سوگند می‌خوردند که رابطه آنان با بیماران مجرمانه بماند (۲۰).

با این حال، عده‌ای نیز حریم خصوصی را فاقد سابقه طولانی دانسته و قدمت آن را هم دوره دیگر مقوله‌های حقوق بشر، مانند حق زندگی نمی‌دانند؛ چراکه مدعی هستند در گذشته تفاوت زیادی بین زندگی خصوصی و زندگی عمومی افراد وجود نداشته است. این عده را عقیده بر آن است که این حق در اواخر قرن بیستم پا به عرصه وجود نهاده است (۲۱).

حمایت از حریم خصوصی، در حقوق اسلامی از قدمت بسیار برخوردار است و مقوله‌های مختلف این حق، با مبانی متعدد و محکمی مورد حمایت قرار گرفته است. حریم خصوصی بیش از آن که در غرب و کنوانسیون‌ها و اسناد بین‌المللی حقوق بشر پیش‌بینی شود، با تأکید بسیار زیادی در منابع اسلامی مورد توجه واقع شده است. در آیات متعددی از قرآن مجید بر لزوم رعایت حریم خصوصی اشخاص تأکید شده است. سنت پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) و ائمه طاهرين (علیهم السلام) و سیره مسلمانان نیز سرشار از توصیه‌هایی در پرهیز از نقض مصادیق مختلف حریم خصوصی است.

در منابع اسلامی، مانند: قرآن کریم و روایات اسلامی، موارد متعددی درباره حریم خصوصی و آزادی‌های فردی وجود دارد؛ مانند: حق مالکیت، منع تجسس، اصل برائت، منع سوءظن، منع اشاعه فحشا، منع سب و هجو و کذب و نیمه و غیبت و منع خیانت در امانت و غیره. البته، اصطلاح حریم خصوصی نه در آیات قرآن و نه در روایات اسلامی استعمال نشده و موضع اسلام در مواجهه با مقوله حریم خصوصی یک موضع به اصطلاح «تحویل گرایانه» است؛ یعنی حریم خصوصی، در قالب احاله به حقوق و آزادی‌های دیگر نظیر حق مالکیت، منع تجسس، اصل برائت، منع سوءظن، لزوم رعایت حرمت مسکن، منع اشاعه فحشا، منع سب و هجو و کذب و نیمه و غیبت و منع خیانت در امانت حمایت شده است.

۱۸. حمیدرضا اصلانی، حقوق فناوری اطلاعات، ص ۲۳.

۱۹. شبکه‌های اطلاعاتی جهانی و نقض حقوق بشر با تأکید بر حق حریم خصوصی، روزنامه جهان اقتصاد، مورخ ۱۹ مرداد ۱۳۸۳.

۲۰. مهدخت بروجرودی، حریم خصوصی در جامعه اطلاعاتی، ابرار اقتصادی، ش ۱۰.

۲۱. جهان اقتصاد، ۱۹ مرداد ۱۳۸۳.

به هرحال، شکوفایی و بارور شدن همه این تلاش‌ها به گونه‌ای نوین و فراگیر، تنها در قرن ۱۷ و ۱۸ در عصرنوزایش علمی، آن هم در مغرب زمین تحقق یافت و اندیشمندان بزرگ این دوره، هریک از طریق سعی در توجیه و تحلیل مبانی حقوق بشر و از جمله حق بهره‌مندی از حقوق مختلف حریم خصوصی و حق خلوت داشتند. ره‌آورد این تلاش‌ها تدوین اعلامیه جهانی حقوق بشر مصوب ۱۹۴۸م. و میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی مصوب ۱۹۶۶م می‌باشد که مقبول‌ترین و فراگیرترین اسناد مورد وفاق در جامعه جهانی می‌باشد و در آن حمایت از حق حریم خصوصی و عدم لطمه زدن به آبرو و حیثیت افراد را مورد تأکید قرار داده است. همچنین ماده ۱۸ اعلامیه حقوق بشر اسلامی مصوب ۱۹۹۰م. با نصی جامع‌تر و فراگیرتر این حق را در زمره حقوق اولیه و بنیادین بشر می‌داند (۲۴). علاوه بر این، در کنواسیون اروپایی حمایت از حقوق بشر و آزادی‌های بنیادین (۱۹۵۰م.)، اعلامیه‌ی اسلامی حقوق بشر (۱۹۹۰م.) به غیر قابل تعرض بودن حریم خصوصی تصریح شده است. نیز در قوانین اساسی اکثر کشورها، حریم خصوصی به صورت مستقیم و یا غیر مستقیم مورد توجه واقع شده است و لاقلاً به غیر قابل تعرض بودن مسکن، نامه، آبرو و خصوصی بودن ارتباط اشاره شده است؛ به گونه‌ای که از اوایل دهه ۱۹۷۰م. تدوین و وضع قوانین عادی جهت حمایت از حریم خصوصی آغاز شده و تقریباً به صورت یک نهضت فراگیر همه کشورها را به سمت تصویب قوانین و مقرراتی درباره‌ی خصوصی سوق داده است.

شبهه همین وضعیت، در نظام حقوقی ایران مشاهده می‌شود؛ یعنی اصطلاح «حریم خصوصی» در قوانین ایران به کار نرفته است، ولی مفهوم آن در اصطلاحات و عناوین دیگر مورد حمایت و تأکید واقع شده است؛ مانند: اصول ۲۲، ۲۳، ۲۵، ۳۹ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران؛ مواد ۵۸۰ و ۵۸۲ قانون مجازات اسلامی در مورد ورود غیر قانونی مستخدمان و مأموران قضایی و غیر قضایی دولت به منزل اشخاص، و برای مفتوح، توقیف، معدوم، بازرسی، ضبط، باز کردن مراسلات، استراق سمع مخابرات و مکالمات تلفنی اشخاص مجازات تعیین کرده است. علاوه بر این، فصل سوم قانون آیین دادرسی کیفری تحت عنوان: «تفتیش و بازرسی منازل، اماکن و کشف آلات و ادوات جرم» مقرراتی را در مورد حریم خصوصی منازل و اماکن و اشخاص پیش بینی کرده است.

۴) مبانی حریم خصوصی در حقوق اسلام و حقوق غرب

در بحث اهمیت حریم خصوصی و لزوم صیانت از آن بین مکاتب و اندیشمندان هیچ اختلافی نیست. آن چه اختلاف است در مبانی و میزان و محدوده حریم خصوصی افراد است. منظور از مبانی حریم خصوصی، توجیه چرایی لزوم حمایت از حریم خصوصی شهروندان است. به عبارت دیگر، چرا باید از حریم خصوصی حمایت شود و حقی به نام: «حق حریم خصوصی» مورد شناسایی قرار گیرد. این بحث، در واقع بحثی سهل و ممتنع است؛ زیرا با نگاهی گذرا به نظام‌های حقوقی مختلف بروشنی در می‌یابیم که حق شهروندان در بهره‌مندی از حریم خصوصی، در اغلب جوامع مورد پذیرش قرار گرفته است و آثار عملی چنین حمایتی کم و بیش قابل لمس است. این امر، مؤید آن است که اصل چنین حمایتی (صرف نظر از حدود آثار آن) امری مورد وفاق و غیر قابل خدشه است، ولی در نگاهی عمیق‌تر، اگر این پرسش مطرح شود که صرف نظر از آثار و الزامات عملی، رعایت چنین حقی، مبنای تحلیلی قابل دفاع در باب توجیه این حق چیست، دشواری‌ها آغاز می‌شود.

۲۲. مهرپور، حسین، حقوق بشر در اسناد بین‌المللی و موضع جمهوری اسلامی ایران، ص ۳۶۳ به بعد.

به عبارت دیگر، اگر پرسیده شود که چرا در فلان نظام حقوقی، تجاوز به حریم خصوصی جسمانی شهروندان ممنوع است، یا این که چرا داده‌های شخصی ایشان بدون رضایت قابل استفاده نمی‌باشد، ممکن است گفته شود که: دلیل آن فلان ماده از قانون یا فلان منبع حقوق است؛ اما اگر پرسیده شود که چرا قانون یا اصولاً دانش حقوق، باید از این حق حمایت کند، پای مباحث تحلیلی عمیق‌تری به میان کشیده می‌شود، که به اندازه توان درباره‌ی آن توضیح داده می‌شود.

این بحث، یعنی مبانی حریم خصوصی را از سه جهت مورد بررسی قرار می‌دهیم:

اول، مبانی حریم خصوصی در حقوق غرب؛

دوم، مبانی حریم خصوصی در حقوق اسلام؛

سوم، تفاوت دیدگاه اسلام با غرب در بحث حریم خصوصی.

پیش از ورود به بحث، یادآوری دو نکته ضروری است:

نخست آن که تقسیم مبانی حریم خصوصی به دو قسمت: مبانی حریم خصوصی در «حقوق غرب» و «حقوق اسلام» کاملاً دقیق نیست؛ چه این که ممکن است برخی مبانی بین حقوق اسلام و غرب مشترک باشد؛ مانند: لزوم امنیت شهروندان، لزوم تأمین آزادی شهروندان و ...؛

دوم آن که، آن چه به عنوان مبانی حریم خصوصی انسان‌ها بیان می‌شود، ریشه در نظریات کلاسیک فلاسفه و حقوق دانان دارد و با توجه به کلیات مباحثی که به عنوان مبانی حقوق انسان‌ها در فلسفه‌ی حقوق مطرح کرده‌اند، می‌توان مبانی حریم خصوصی را اصطیاد کرد.

۴-۱. مبانی حریم خصوصی در حقوق غرب

بند ۱- نظریه‌ی حقوق فطری:

مرسوم است که اصطلاح «حقوق فطری» را در برابر «حقوق وضع شده» به کار می‌برند. حقوق موضوعه مجموعه قواعدی است که در زمان معین بر ملتی حکومت می‌کند و اجرای آن از طرف سازمان‌های اجتماعی تضمین می‌شود، ولی حقوق فطری به قواعدی می‌گویند که برتر از اراده‌ی حکومت و غایت مطلوب انسان است و قانون‌گذار باید کوشش کند تا آن‌ها را بیابد و راهنمای خود قرار دهد(۲۳).

شاید فلسفه‌ی چنین نامگذاری آن باشد که این دسته از حقوق همزاد و همراه همه‌ی انسان‌ها در همه‌ی زمان‌ها و مکان بوده و به تعبیر کانت، صرف نظر از هر گونه تشریع و قانون‌گذاری، فطرت و ذات نوع بشر آن را مختص انسان می‌داند.

۲۳. کاتوزیان، ناصر؛ فلسفه حقوق، ج ۱، ص ۴۴.

«سیسرون» حقوق دان رومی، به حقوق فطری و عدالت طبیعی و ثابت اطمینان داشت. او می گفت: قانون ثابتی که ناشی از عقل و فطرت آدمی است، همیشه و همه جا وجود دارد و کسی که از این قانون اطاعات نکند از خویش می گریزد و طبیعت انسان را از نظر دور می دارد. به گفته ی او، نه تنها طبیعت، قوانین واقعی را وضع و تحمیل می کند، طبیعت هر انسان به گونه ای است که قابلیت درک قانون طبیعی و سازگاری با آن را دارد (۲۴).

مفهوم و گستره ی حقوق فطری مورد اختلاف نظر دانشمندان می باشد. ولی برخی از مصادیق حقوق فطری مورد اتفاق نظر است یا لاقلاً اختلاف نظر کمتری درباره ی آن مشاهده می شود؛ مانند: حق حیات، حق آزادی بیان، حق دادخواهی و تظلم و حق بهره مندی از زندگی شخصی و خصوصی (حریم خصوصی).

همان طور که در بحث تعریف «حریم خصوصی» یا «حق خلوت» گذشت، برخی این حق را به «حق افراد دائر بر این که تنها به حال خود گذارده شوند» تعریف کرده اند (۲۵). بر این اساس، جوهر و روح حریم خصوصی را می توان در حقوق فطری یافت و طبق حقوق فطری می توان وجود حریم خصوصی را برای ابنای بشر توجیه و تحلیل کرد. به عبارت دیگر، انسان از آن جا که اولاً و بالذات آزاد و رها آفریده شده است، لذا همین آزادی و رهایی اولیه، اقتضای آن را دارد که:

اولاً، بتواند از وقوف و آگاهی سایرین بر حوزه ی خصوصی زندگی خود جلوگیری کند و اجازه ندهد که دیگران داده ها و اطلاعات این حوزه از زندگی او را مورد مکاشفه و تفتیش قرار دهند.

ثانیاً، در صورت تمایل بتواند از مداخله و دخل و تصرف دیگران در زندگی خصوصی و شخصی خود ممانعت به عمل آورد (۲۶).

توضیح بیش تر آن که، از منظر نظریه ی حقوق فطری می توان چنین استدلال کرد:

- پاره ای از حقوق وجود دارند که برتر از اراده و خواست دولت ها وجود داشته و انسان ها صرف نظر از رنگ، نژاد، عقیده، ملیت و جنسیت از آنها برخوردار می باشند و همزاد انسان ها بوده و حقوق فطری نامیده می شوند.

- انسان ها اولاً و بالذات آزاد و رها آفریده شده اند و این آزادی و رهایی اولیه که اصل است هر چند استثناهایی دارد، ولی در مقام تردید باید اصل را بر برخورداری انسان ها از این حق ذاتی و فطری دانست، مگر آن که خلاف آن با ادله ی یقینی ثابت شود.

- حق خلوت یا حریم خصوصی به معنای جلوگیری از وقوف سایرین بر حوزه شخصی و خصوصی زندگی (از جمله اطلاعات مربوط به چنین حوزه ای) از مصادیق بهره مندی از حق اولیه ی افراد در آزادی و رهایی است و وقوف سایرین بر اطلاعات مربوط به حوزه شخصی زندگی مخل حق حریم خصوصی اشخاص است.

۲۴. همان، ص ۴۶.

۲۵. همان ص ۴۴ به بعد.

۲۶. حمید اصلانی، حقوق فناوری اطلاعات، ص ۳۳.

- حق اولیه و ذاتی انسان‌ها در محترم بودن و مصون از تعرض بودن تمامیت شخصیتی ایشان در زمره‌ی حقوق ذاتی و طبیعی اعطا شده به بشر است که علی‌الاصول مقتضی منع هر گونه عملی است که به تمامیت شخصیتی دیگری تعدی نموده یا تصرف در این حوزه را در اختیار دیگران قرار دهد.

- لذا حق برخورداری از حریم خصوصی حقی است فطری و ذاتی که سلب آن ممنوع است، مگر در موارد خاص و مصرح قانونی که البته نیازمند توجیه و تعلیلی قوی‌تر از نظریه‌ی حقوق فطری بوده یا با حقوق فطری سایر اشخاص تراحم داشته باشد (۲۸).

به نظر می‌رسد که در صورت پذیرش مبانی نظری تئوری حقوق فطری بتوان از این تئوری برای توجیه کلیه‌ی صور و شقوق چهارگانه حریم خصوصی؛ یعنی حریم خصوصی در منازل و اماکن، حریم خصوصی اطلاعاتی، حریم خصوصی ارتباطاتی و حریم خصوصی جسمانی سود جست.

بند ۲- نظریه‌ی قرارداد اجتماعی:

نظریه‌ی قرارداد اجتماعی به این فرضیه نهاده شده است که پیش از تکوین دولت، انسان در «وضع طبیعی» (State of nature) زندگی می‌کرد. «وضع طبیعی» را عده‌ای حالتی پیش از اجتماعی شدن و برخی دیگر پیش از سیاسی شدن می‌دانند، ولی هر چه بوده باشد، وضعی پیش از پیدایش نهاد حکومت است. وضع طبیعی جامعه سازمان یافته نبود و در آن هیچ قدرت سیاسی وجود نداشت تا قوانین و مقرراتی را وضع کند و به اجرا گذارد. تنها به اصطلاح «قانون طبیعی» تنظیم کننده‌ی طرز رفتار و عمل بشر بود. هر انسان زندگی خاص خود را داشت و تنها از آن قواعد رفتاری اطاعت و پیروی می‌کرد که می‌اندیشید برای پیروی کردن مناسب است (۲۹).

بنابر نظریه‌ی قرارداد اجتماعی، دولت محصول کوشش سنجیده‌ی انسان است و اقتدار خود را از رضایت مردمی می‌گیرد که در زمان‌های دور تاریخی از راه قراری اجتماعی خود را به صورت هیأتی سیاسی سازمان دادند. درباره‌ی شرایط این قرار، هر یک از متفکران نظر متفاوتی دارند. به گمان برخی از آنان، این قرار تنها ایجادگر نهاد جامعه‌ی مدنی بود؛ در حالی که برخی دیگر به عنوان یک قرار حکومتی که میان فرمانروایان و فرمانبرداران گذاشته شد به آن نگاه می‌کنند. عده‌ای عقیده دارند که طرف‌های این قرار اجتماعی فقط افرادی بودند که در وضع طبیعی زندگی می‌کردند و فرمانروا طرف آن نبوده است. دیگران معتقدند که طرف‌های آن از یک سو مردم و از سوی دیگر فرمانروا بودند (۲۹).

به بیان دیگر، بشر مدنی بالطبع است و جز در پرتو جمعیت، بقا و نیل به کمالات برای انسان متعسر و حتی متعذر می‌باشد و حتی حیات او با خطر نابودی و فنا روبرو است. از طرف دیگر، این ویژگی فطری و یا حداقل غریزی با صفت ذاتی دیگری که در او وجود دارد؛ یعنی میل به رهایی از قیود و محدودیت‌ها و میل زیاده‌خواهی وی در تعارض و تراحم می‌باشد؛ چرا که کمال مطلوب هر فرد برخورداری و بهره‌مندی هر چه بیشتر است، ولی این میل به رهایی و برخورداری هر چه بیش‌تر، با صفت

۲۷. همان، ص ۸۳-۸۴.

۲۸. عالم، عبدالرحمن؛ بنیادهای علم سیاست، ص ۱۸۰.

۲۹. همان، ص ۱۸۱.

اجتماعی بودن و نیاز انسان به زیست جمعی در تعارض است. بشر در مقام جمع بین این دو میل و خواسته، به ناچار با انعقاد یک قرارداد و توافق نامه‌ی فرضی، از بخشی از آزادی و رهایی خود صرف نظر می‌کند تا قدرتی فرافردی (حکومت) در اجتماع ایجاد شود تا ضمن حل و فصل مشکلات ناشی از تعارض‌های فوق الذکر، زمینه‌ی بقا و کمال او را فراهم آورد. اندیشمندان چنین قرارداد اعتباری و فرضی را «قرارداد اجتماعی» نامیده‌اند.

در پرتو نظریه‌ی قرارداد اجتماعی می‌توان گفت:

اولاً، از آن جا که اصل وجود و همچنین اختیار حکومت برای مداخله در امور مربوط به شهروندان، امری خلاف اصل (اصل اولیه آزادی انسان‌ها) بوده و مطابق تحلیلی که از چگونگی ایجاد حکومت گفته شد، امری استثنایی است، لذا در مقام تردید میان اختیار یا عدم اختیار حکومت در مداخله در امور شخصی شهروندان، اصل ممنوع بودن چنین عملی است، مگر آن که مقتضای قرارداد مفروض، توجیه کننده‌ی چنین مداخله‌ای باشد. بنابراین، از دیدگاه تحلیلی صرف، مداخله حکومت در امور شخصی شهروندان نیازمند قانون است، نه این که منع او از چنین اقدامی احتیاج به قانون داشته باشد.

ثانیاً، هر چند اصل وجود حکومت، استثنایی بر آزادی اولیه‌ی انسان‌ها و محدود کننده‌ی آن است، ولی خود علی‌الاصول، تضمین کننده‌ی بقا و بهره‌مندی قاعده‌مند در میان ایشان است. اولین وظیفه‌ی حکومت صیانت از حیات و آزادی‌های بشر است. انسان‌ها وجود چنین قدرت و سیادت را می‌پذیرند تا در مقابل، مطلوب‌های ایشان مورد حمایت قرار گرفته و از دستبرد و تاراج مصون بماند. از جمله اموری که در این معامله و قرارداد اجتماعی نسبت به آن توافق می‌شود، لزوم حمایت و صیانت از حقوق و آزادی‌ها و مطلوب‌های اشخاص، توسط حکومت می‌باشد و این مابه‌ازای تحمل قدرت فرا فردی از سوی افرادی است که اولاً و بالذات آزاد و رها آفریده شده‌اند. از مهم‌ترین اموری که نوع بشر مطلوب خود می‌داند، رهایی از هر گونه تحت نظر بودن و به عبارت عامیانه‌تر پاییده شدن و عدم مداخله دیگران در حوزه‌ی خصوصی حیات ایشان و بویژه منع سایرین از ورود بدون اجازه در منازل و اماکن متعلق به آن‌ها، عدم اطلاع سایرین از مراسلات، داده‌ها و اطلاعات مربوط به اوست و حق محرمانه بودن این قبیل اطلاعات و حریم خصوصی او در این باب مورد تجاوز قرار نگیرد. حکومت نیز بنا بر توافق مفروض (قرار داد اجتماعی) وظیفه‌ی صیانت از این مطلوب و خواسته‌ی بشر را دارد (۳:۴).

بند ۳- حریم خصوصی به عنوان مانعی در مقابل زیاده خواهی دولت‌ها

از آن جا که در هر جامعه‌ای حکومت و دولتی وجود دارد و هیچ چاره‌ای از قدرت و سلطه‌ی آن نیست، بایستی به دور موجودیت و شخصیت فرد حصار کشید تا قدرت زیاده خواه و سلطه‌جویی حاکم نتواند به این حریم تجاوز نماید (۳:۴) یعنی با شناسایی حق حریم خصوصی، بایستی فردیت و استقلال شخصیتی انسان را در برابر حکومت در امان نگه داشت.

۳۰. حمید رضا اصلانی، حقوق فناوری اطلاعات، ص ۳۷-۳۸.

۳۱. ابو الفضل قاضی، حقوق اساسی و نهادهای سیاسی، ص ۱۴۰.

در واقع، بایستی یکی از مبانی شناسایی حریم خصوصی را محدود نمودن ماهیت توسعه طلب و احياناً ستمگر قدرت دانست که اگر بی‌مهابا و بدون حد و مرز رها شود، ممکن است فرد را فدای مصلحت و امیال قدرت سیاسی کند؛ همان طور که حکومت‌های توتالیتري چون آلمان نازی با حذف قلمرو خصوصی، فردیت افراد را نابود و هر گونه استعداد و شکوفایی را در آن‌ها ریشه‌کن نمودند. بنابراین، هدف اصلی باید ترسیم قلمرو شخصی در جهت نگرهبانی فردیت و استقلال شخصیتی فرد باشد و قانون‌گذار بایستی طوری مرزهای عملکرد دولت را محدود نماید که قدرت نتواند حتی المقدور به حریم خصوصی اشخاص تجاوز کند(۳۲).

در سایه‌ی تکنولوژی، امروزه دولت‌ها به مدرن‌ترین وسایل جاسوسی، تفتیش و استراق سمع دست یافته است؛ حتی مجهز به وسایل فنی کشف حقیقت؛ مثل: ابزارهای کشف دروغ و داروهای شیمیایی تحریک کننده گشته است. حتی بیم آن می‌رود که پیشرفت در زمینه‌ی روان شناسی و علوم وابسته به آن، ممکن است روش‌هایی کاوش و تفتیش عقاید، افکار و احساسات را به ارمان آورد. از این رو، اکثر قوانین، تفتیش عقاید را ممنوع و برخی آن را جرم اعلام نموده‌اند. به هر حال، ما در عصری زندگی می‌کنیم که در آن تکنولوژی حکومت می‌کند و با مودیان‌ترین روش‌ها، نه تنها صلح و امنیت را به هم زده، بلکه در صمیمانه‌ترین روابط زندگی افراد مداخلات ناروا کرده است. باید با تدوین شایسته و اجرای دقیق آن، بشر را در برابر آثار زبان‌آور و مضر آن حمایت نمود و به افراد ضد اجتماعی اجازه نداد که با سوء استفاده از پیشرفت تکنولوژی و خلأ قانونی، شخصیت، شأن، کرامت، شرافت و زندگی خانوادگی و شخصی افراد را نابود سازند.

۲-۴. مبانی حریم خصوصی در حقوق اسلام

بند ۱. آزادی:

آزادی یکی از آرمان‌های بشری به شمار می‌آید، به طوری که غالباً یکی از اهداف نهضت‌های اجتماعی و انقلاب‌های سیاسی بوده است. اما آزادی پیش از آن که یک پدیده‌ی اجتماعی و سیاسی و قراردادی بین ملت و دولت باشد، یک پدیده‌ی فطری و انسانی است. به عبارت دیگر، آزادی حقی است که خداوند به هر انسانی داده است و نمی‌توان این حق را سلب کرد، یا در قراردادهای اجتماعی آن را نادیده انگاشت. آزادی حقی نیست که واضعان و حاکمان قانونی برای انسان‌ها سرمشق کنند، بلکه واضعان و حاکمان قانون برای حفظ حقوق انسان‌ها که از جمله آزادی است، گماشته شده‌اند و باید حریم آزادی را پاس بدارند تا کسی به این حق الهی تجاوز نکند(۳۳).

آزادی در لغت به معنای: عتق، حریت، اختیار، خلاف بندگی، رهایی و بی‌قید و بند است(۳۴). نگرش سیاسی اسلام برای تعریف آزادی از واژه‌ی «حریه» استفاده می‌شود که نقطه مقابل عبودیت (غیر خدا) قرار دارد(۳۵).

۳۲. فهیم مصطفی زاده، جایگاه حق خلوت در حقوق کیفری، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشکده ادبیات دانشگاه قم (۱۳۸۴)، ص ۶۰-۵۹.

۳۳. محمد تقی فاضل میبیدی، دین داری و آزادی، ص ۵۲۵.

۳۴. علی اکبر دهخدا، لغت نامه دهخدا، ذیل واژه‌ی آزادی؛ حسن عمید، فرهنگ فارسی عمید، ذیل واژه‌ی آزادی.

۳۵. عبدالله جوادی آملی، فلسفه حقوق بشر، ص ۱۸۶.

برای تعریف آزادی در اصطلاح نیز تعابیر مختلفی وجود دارد؛ چرا که آزادی از مفاهیم بسیار گسترده و پر ابهام است. این امر همراه با نوع نگرش‌ها به این مفهوم باعث شده است که هر کس از ظن خود بدان بیندیشد و مقصود و منظور خود را از آزادی به عنوان تعریف آن بیان کند. اختلافات فراوانی که در میان فیلسوفان، حقوق‌دانان و سیاست‌مداران در تعریف این مفهوم به چشم می‌خورد، گواه روشنی بر این واقعیت است.

آزادی در یک تعریف ساده، عبارت است از این که شخص اختیار انجام دادن هر کاری را داشته باشد؛ مشروط بر این که به دیگری ضرر نرسد. این شرط، آزادی هر کس را در مقابل دیگری محدود می‌سازد (۳۶).

این واژه در میان متفکران اسلامی نیز منزلت ویژه‌ای دارد. علامه طباطبایی آزادی را دارای دو جنبه می‌داند: اول، رها کردن بنده و انسان از قید هوی و هوس؛ دوم، رها کردن انسان از رقت دیگر بندگان. بنابر تعریف شهید صدر نیز آزادی عبارت است از امکان توانایی به کارگیری و تعبیر عینی و عملی اراده برای تحقق اهداف متعالی (۳۷).

علامه محمد تقی جعفری نیز آزادی را چنین تعریف می‌کند: آزادی عبارت است از برداشتن قید یا زنجیر یا هر عاملی که موجب بسته شدن مسیر جریان اراده در یک یا چند موضوع می‌شود (۳۸).

مکتب انسان ساز اسلام، از آن جایی که انسان را موجودی شریف، نمونه و دارای مزایایی می‌داند که خداوند به او بخشیده که سایر موجودات از آن محرومند، یکی از امتیازات افراد را آزادی اراده توأم با مسئولیت آنها قرار داده است که به موجب آن می‌توانند سرنوشت خویش را رقم زنند و نتیجه‌ی کار خوب و بد خویش را ببینند:

«مَنْ عَمِلَ صَالِحًا فَلِنَفْسِهِ وَمَنْ أَسَاءَ فَعَلَيْهَا ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّكُمْ تُرْجَعُونَ» (۳۹)

هر که به شایستگی عمل کند، به سود خود و هر که بدی کند، به ضرر خویش عمل کرده است. آن گاه به پیشگاه پروردگارتان باز گردانده می‌شوید.

آفریدگار جهان با همه‌ی سلطه و سیطره‌ای که بر همه موجودات دارد، انسان را در حدود اختیاراتی که به او بخشیده است، مطلقاً ملزم به انجام کارها نساخته، بلکه به وسیله‌ی امر و نهی او را به راه راست هدایت نموده است:

«إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا» (۴۰)

راه را به او ارائه دادیم، خواه سپاسگذار باشد، خواه ناسپاس.

۳۶. جلال الدین مدنی، حقوق اساسی و نهادهای سیاسی جمهوری اسلامی ایران، ص ۷۶.

۳۷. محمد باقر صدر، آزادی در قرآن، ترجمه هادی انصاری، ص ۲۱.

۳۸. محمد تقی جعفری، حکمت سیاسی اسلام، ص ۳۶۵.

۳۹. جاثیه (۴۵)، آیه‌ی ۱۵.

۴۰. انسان (۷۶)، آیه‌ی ۳.

یکی از برنامه‌های پیامبر گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) اعمال اصل حریت و آزادی است و به حکایت قرآن، محدودیت‌های پیشین و غل و زنجیر اسارت بار را با دعوت الهی از مردم برداشته و به آنان درس آزادی آموخته است:

«يَضَعُ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ وَالْأَغْلَالَ الَّتِي كَانَتْ عَلَيْهِمْ» (۴:۲)

و از قید و بندهایی که داشتند، آزادشان می‌سازد.

علاوه براین، امیر مؤمنان علی علیه السلام نیز در یک عبارت شیرین و جامع فرموده است: «بنده دیگری مباش که خداوند تو را آزاد آفریده است» (۴:۲)

بنابراین، آن چه از تعالیم نجات بخش اسلام و اولیای گرامی اسلام درباره‌ی آزادی و حریت انسان فهمیده می‌شود، این است که آزادی یعنی نفی اطاعت غیر خدا و بندگی و خضوع در برابر خالق هستی و نظام آفرینش. به تعبیر دیگر، آزادی یعنی رفع و نبودن کلیه‌ی عواملی که مانع تکامل و تعالی انسان و تجلی استعدادها و شخصیت انسان او می‌باشد و برآستی که پیامبران الهی نیز هدفی جز رفع این موانع از سر راه انسان نداشته‌اند. آزادی به مفهوم اسلامی، نخست از درون آغاز می‌شود و تا انسان از قید و بند اسارت‌های درونی آزاد نگردد، از اسارت طاغوت‌ها و عوامل برونی‌ها رها نمی‌شود. آن چه انسان را به زنجیر اسارت جباران می‌کشد، همان بندهای جهل و زبونی و طمع و پرستش هوی و هوس‌ها و تمایلات حیوانی است. حتی جباران و خودکامگانی که انسان‌ها را به بند می‌کشند، خود در اسارت هوس‌ها، افزون طلبی‌ها، قدرت پرستی‌ها، خودخواهی‌ها، دنیا پرستی‌ها و شهوات خویشند (۴:۳)

در اسلام مبارزه در راه آزادی با جهاد قهر آمیز و جنگ با دشمنان آزادی و ریشه کن نمودن کسانی که انسان‌ها را به بند می‌کشند، تمام نمی‌شود. مسلمانان به موازات این جهاد باید دست به جهاد بزرگ‌تری بزنند که خود را از درون رها و آزاد کند و زنجیر اسارت را از دل و فکر خویش بگسلد و خود را از عبودیت‌ها، وابستگی‌ها و دلدادگی‌ها آزاد نماید. از دیدگاه اسلام، حیات و تکامل انسان در پرتو آزادی او صورت می‌پذیرد. در اسلام، انسان مسؤول است و مسؤولیت بدون آزادی معنا ندارد. اما این بدان معنا نیست که آزادی را یک ارزش مطلق فرض کرده و شاخص حق و باطل بدانیم؛ بلکه آزادی آن گاه ارزش است که در چهارچوب تعالیم معنوی مطرح شود و شرایط دستیابی افراد بشر به فضایل انسانی را فراهم آورد. در این صورت، واژه‌ی آزادی هرگز معادل «بی‌قید و بندی» و «بی‌مسؤولیتی» نیست و حد و مرز آن نیز در شرع مقدس مشخص شده است (۴:۴)

۴۱. اعراف (۷)، آیه ۱۵۷.

۴۲. نهج البلاغه؛ نامه ۳۱.

۴۳. عبدالله جوادی آملی، فلسفه حقوق بشر، ص ۱۸۸.

۴۴. همان، ص ۱۸۹.

با توجه به مباحث فوق می‌توان گفت: آزادی در اسلام، عبارت است از «رهایی انسان از قید عبودیت و بندگی ما سوی الله». لذا این واژه در مفهوم اسلامی، ریشه در تمایلات و خواسته‌های غریزی و مادی انسان‌ها ندارد؛ بلکه خواستگاه آن خصایص و ویژگی‌های فطری و نهاد و سرشت پاک انسانی و مطابق با تشریع و تکوین می‌باشد(۴۵)

حریم خصوصی و داشتن حق خلوت یکی از مصادیق «آزادی» انسان‌ها است که در پرتو آن انسان می‌تواند به کمال مطلوب دست یابد؛ همان کمالی که انسان برای آن آفریده شده است و در پرتو آن می‌تواند استعدادها و توانایی‌های خویش را شکوفا سازد. همان طور که گذشت، از نظر متفکران اسلامی یکی از جنبه‌های آزادی، رها بودن انسان از رقیت دیگر بندگان است. این مهم وقتی عینیت می‌یابد که انسان از هر گونه تعرض و آسیب و دخالت افراد و دولت در امان باشد.

از نظر متفکران اسلامی، آزادی انسان بدون حد و مرز نیست و چارچوب‌های آن از طریق شرع مقدس و قوانین معین می‌شود. شخص به بهانه‌ی داشتن آزادی، نمی‌تواند وارد حریم خصوصی دیگران گردد و انتظار داشته باشد که هیچ عکس‌العملی از سوی مجریان قانون متوجه او نشود. حمایت و صیانت از حریم خصوصی شهروندان و حق خلوت ایشان در کلیه‌ی شقوق آن امری است که مورد تأیید و تأکید شرع مقدس می‌باشد و قانون‌گذار می‌باید با وضع قواعد رفتاری منقح و روشن و همچنین ضمانت اجراهای مادی (اعم از کیفری و غیر کیفری) بدان بپردازد. چگونه می‌توان رفتار شخصی را که بدون رضایت صاحب‌خانه به قلمرو زندگی خانوادگی و زناشویی دیگری وارد شده یا سعی در وقوف بر آن چه در درون این قلمرو می‌گذرد، دارد را از قید و بند قوانین رها کنید؟ همچنین شهروندی که تمامیت جسمانی او از سوی دیگران و بدون رضایت او مورد تعدی قرار گرفته است، از حقوق انتظار دارد که رنجش او را بی‌پاسخ نگذارد. شخصی که با تحصیل اطلاعات مربوط به بیماری‌ها یا خصوصیات شخصیتی دیگری سعی در اخاذی و تهدید شخص سوژه دارد، یا این که از طریق افشای چنین داده‌هایی سعی در به خطر انداختن موقعیت اجتماعی یا سیاسی یا اقتصادی او دارد، یا شخصی که با استراق سمع یا به دست آوردن رمز عبور رایانه‌ی دیگری مراسلات اینترنتی او را مورد دستبرد قرار داده و به خصوصی‌ترین جنبه‌های زندگی او دست می‌یازد، باید در انتظار عکس‌العمل مناسب قواعد حقوقی باشد.

بنابراین، می‌توان از قانون‌گذار انتظار داشت که با وضع قواعد رفتاری مشخص ضمن تبیین جایگاه آزادی و حق اولیه‌ی شهروندان در برخورداری از حریم خصوصی، استثناهای این حق را مشخص کرده و با پیش‌بینی ضمانت اجرای کیفری و مدنی راه را بر دشمنان حریم خصوصی سد کند.

بند ۲- امنیت

امنیت انتظار نخست انسان‌ها از حکومت‌هاست که امروزه ابعاد گسترده و متنوعی یافته است. تأثیر پذیری امنیت از اقتصاد، فرهنگ، صنعت، جمعیت و تأثیر گذاری آن بر همه‌ی شاخصه‌های توسعه و حیات انسانی، به آن نقش بنیادین داده و همه‌ی فیلسوفان سیاسی گذشته، حال را به تأمل در آن واداشته است(۴۶)

۴۵. سید محمد موسوی بجنوردی، و مهسا سلیمانیان؛ «بررسی فقهی- حقوقی حقوق ملت در فصل سوم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران»، پژوهشنامه متین، ش ۳۰، ص ۱۰۷.

۴۶. عباس علی عمید زنجانی، فقه سیاسی، ج ۱، ص ۵۷۰.

لزوم و ضرورت امنیت در جامعه از طبیعت حقوق انسانی ناشی می‌شود؛ چرا که لازمه‌ی حقوق و آزادی‌های مشروع، مصونیت آن‌ها از تعرض و دور ماندن از مخاطرات و تعدیات است. اگر توجیه کنیم به مخاطره انداختن و تهدید با مفهوم وسیعی که دارد، شامل هر نوع زمینه و عوامل احتمالی است که احیاناً به نقض و تعرض بالفعل حقوق مشروع افراد می‌شود. پس ناگزیر باید امنیت را اعم از جلوگیری از نقض و تعرض بالفعل بدانیم و در تأمین امنیت، ایجاد شرایط لازم برای صیانت حقوق، و برطرف کردن زمینه‌ها و عوامل تعرض احتمالی را نیز لازم و ضروری بشماریم. در مجموع، برای تحقق امنیت، وجود عوامل زیر ضروری است:

۱. اجرا و تعمیم عدالت و قانون به طور یکسان و نفی هر گونه تبعیض در جامعه؛
۲. مبارزه مداوم با عوامل تجاوزگر و زمینه‌های تعرض احتمالی و نیروهای فشار و وحشت و مهار کردن عواملی که زمینه‌ی تعرض دارند و پیشگیری‌های لازم برای خشکانیدن ریشه تعدی و تعرض؛
۳. آشنایی عامه مردم با حقوق افراد و آگاهی لازم در جهت احترام به حقوق دیگران؛
۴. ضمانت اجرای نیرومند معنوی (ایمان و اخلاق)؛
۵. ضمانت اجرای قانونی برای کیفر دادن متجاوزین به حقوق مردم (۴۷)

به این ترتیب، امنیت برای افراد و دولت ایجاد تکلیف می‌کند؛ بدین معنا که افراد مکلفند حقوق مادی و معنوی یکدیگر را مورد احترام قرار دهند و رعایت کنند. دولت نیز مکلف است با وضع قانون و تأسیس تشکیلات اداری و قضایی برای مردم ایجاد امنیت کند تا با اطمینان خاطر به زندگی خود ادامه دهند و نیز در متابعت از قانون، حقوق و آزادی افراد را در ابعاد مختلف محترم شمارد.

منظور از امنیت این است که فرد از هر گونه تعرض و تجاوز مانند: قتل، جرح، ضرب، توقیف، حبس، تبعید، شکنجه و سایر اعمال غیر قانونی و خودسرانه و یا اعمالی که منافعی شؤن و حیثیت اوست مانند: اسارت، تملک و بهره‌کشی، بردگی، فحشا و غیره مصون و در امان باشد و آن پایه و اساس تمام آزادی‌هاست که با فقدان آن سایر آزادی‌های فردی، معنا و مفهوم خود را از دست می‌دهد (۴۸)

در اسلام نیز مقوله امنیت دارای اهمیت ویژه است، به گونه‌ای که قرآن امنیت را یکی از اهداف استقرار حاکمیت الله و استخلاف صالحان و طرح امامت شمرده است:

۴۷. همان، ج ۱، ص ۵۷۱).

۴۸. منوچهر طباطبائی مؤتمنی، آزادی‌های عمومی و حقوق بشر، ص ۶۳.

«وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا» (۴۹)

خداوند به کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده‌اند وعده می‌دهد که قطعاً آنان را حکمران روی زمین خواهد کرد، همان گونه که به پیشینیان آن‌ها خلافت روی زمین را بخشید؛ و دین و آیینی را که باری آنان پسندیده، پا برجا و ریشه‌دار خواهد ساخت؛ و ترسشان را به امنیت و آرامش مبدل می‌کند، (آن چنان) که تنها مرا می‌پرستند و چیزی را شریک من نخواهند ساخت. و کسانی که پس از آن کافر شوند، آنها فاسقانند.

احساس امنیت را از خصایص مؤمن معرفی می‌کند:

«هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ السَّكِينَةَ فِي قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ» (۵)

او کسی است که آرامش را در دل‌های مؤمنان نازل کرد.

یکی از مثل‌ها و الگوهای قرآنی شهری است که در آن امنیت باشد:

«وَوَضَعَ اللَّهُ مَثَلًا قَرْيَةً كَانَتْ آمِنَةً مُطْمَئِنَّةً يَأْتِيهَا رِزْقُهَا» (۵۱)

خداوند (برای آنان که کفران نعمت می‌کنند) مثلی زده است: منطقه‌ای آبادی که امن و آرام و مطمئن بود؛ و همواره روزیش از هر جا می‌رسید؛ اما نعمت‌های خدا را ناسپاسی کردند؛ و خداوند به خاطر اعمالی که انجام می‌دادند، لباس گرسنگی و ترس را بر اندامشان پوشانید.

امیر مؤمنان علی علیه السلام نیز، تأمین امنیت در جامعه را از انگیزه‌های قیام صالحین و اهداف عالی‌ه‌ی امامت می‌داند. اصولاً در اسلام هر نوع ایجاد وحشت و هراس را در دل انسان‌هایی که مترکب خلاقی نشده‌اند ظلم و تجاوزی بزرگ تلقی می‌کند و آن را از جرایم می‌شمارد. مجازات‌هایی که در فقه اسلام برای متجاوزین به حقوق دیگران مقرر شده، ضرورت امنیت و حفظ حیثیت، مال و جان انسان‌ها و اهمیت و حرمت آن را از دیدگاه اسلام نشان می‌دهد. اسلام به انسان اجازه می‌دهد برای تأمین امنیت خویش در برابر تعرض ظالمانه‌ی دیگران نسبت به ناموس، مال، جان، مسکن و سایر حقوق خود، وابستگان و حتی دیگران دفاع کند و بلکه بالاتر، آن را واجب می‌داند و در مواردی تسلیم شدن در برابر تعرضات متجاوزین را حرام می‌شمارد.

عدم تأمین امنیت حریم خصوصی و خلوت اشخاص باعث می‌شود که احساس دلهره و اضطراب به خاطر تعرض‌های خودسرانه، آنها را دائماً در معرض شکنجه‌های روحی قرار دهد. لذا امنیت زندگی خصوصی افراد باید طوری تأمین شود که افراد در چهارچوب قانون به هر جا که مایل باشند بروند، هر مسکنی را که می‌خواهند برای خود برگزینند، در چهاردیواری خانه‌ی خود

۴۹. نور (۲۴)، آیه‌ی ۵۵.

۵۰. فتح (۴۸)، آیه‌ی ۴.

۵۱. نحل (۱۶)، آیه‌ی ۱۱۲.

از آرامش برخوردار باشند و هیچ فرد یا مقامی نتواند بدون دلیل موجه و قانونی به حریم مسکن آن‌ها تجاوز نماید (۵۲). حق هر فرد انسانی است که در مسکن خود دراز بکشد، بخوابد، غذا بخورد، مطالعه نماید، کار کند، با زن و فرزندان خود راحت و صمیمی باشد و بدون هیچ مزاحمت و تعرضی، به زندگی خود ادامه دهد. داشتن یک چنین پناهگاهی حق طبیعی انسان و حداقل چیزی است که یک فرد توقع دارد تا مورد احترام باشد و امنیت آن توسط دولت و وقای آن تضمین و تأمین شود.

علاوه بر این، انسان نیازمند امنیت روانی و روحی نیز هست. با توجه به گسترش روز افزون کاربرد فناوری‌های نوین در زندگی روزمره شهروندان و توسعه‌ی جامعه‌ی مجازی، روشن است که اشخاص برای ادامه فعالیت‌های روزمره در چنین فضایی با دغدغه‌ها و نگرانی‌های جدی نسبت به حریم خصوصی اطلاعاتی خود دست و پنجه نرم خواهند نمود و این نگرانی‌ها ممکن است به فعالیت‌های روزمره ایشان تأثیر گذاشته و مآلاً موجب رکود آن‌ها شود. به عبارت دیگر، در صورتی که شهروندان احساس امنیت خود را در فضای مجازی از دست بدهند و نگران آن باشند که اطلاعات مربوط به آن‌ها در این فضا مورد سوء استفاده قرار می‌گیرد و ممکن است حیثیت و آبروی ایشان را به چالش بطلبد، هرگز حاضر نخواهند شد که از چنین ابزارهای نوین استفاده کنند.

بند ۳- کرامت

قرآن کریم، انسان را موجود با کرامت معرفی می‌کند که در سایه‌ی انسانیت می‌تواند شایسته‌ی این کرامت الهی باشد و این کرامت همان جانشینی خداوند در زمین است. همه‌ی نژادها، رنگ‌ها و زبان‌ها و استعدادها شایستگی حصول به این مقام بزرگ را دارند، و این موهبت الهی و نعمت بزرگ، به صورت یکسان برای همه‌ی ابنای بشر در نظر گرفته شده است و انسان به دلیل بهره‌ی فراوان از عقل و شعور و ادراک و استعداد ویژه می‌تواند رهبری و پیشوایی موجودات زمینی را به عهده بگیرد و موقعیت معنوی او شایسته‌ی این همه مواهب است (۵۳).

قرآن کریم می‌فرماید:

«وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَرَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلاً» (۵۴)

و براستی ما فرزندان آدم را گرامی داشتیم، و آنان را در خشکی و دریا [بر مرکب‌ها] بر نشانیدیم، و از چیزهای پاکیزه به ایشان روزی دادیم، و آن‌ها را بر بسیاری از آفریده‌های خود برتری آشکار دادیم.

با نظر به مجموع موارد استعمال این لفظ می‌توانیم بگوییم: معنای مشترک میان همه‌ی آن موارد عبارت است از پاک بودن از آلودگی‌ها و عزت و شرف و کمال مخصوص به آن موجود که کرامت به او نسبت داده می‌شود.

در دین اسلام، دو نوع کرامت برای انسان‌ها ثابت شده است که عبارتند از:

۵۲. ابوالفضل قاضی، حقوق اساسی و نهادهای سیاسی، ص ۶۵۴.

۵۳. محمد مهدی کریمی نیا، همزیستی مسالمت آمیز در اسلام و حقوق بین الملل، ص ۱۳۸.

۵۴. اسراء (۱۷)، آیه‌ی ۷۰.

۱. کرامت ذاتی و حیثیت طبیعی که همه‌ی انسان‌ها، تا وقتی با اختیار خود به جهت ارتکاب به خیانت و جنایت بر خویشتن و بر دیگران، آن کرامت را از خود سلب نکنند، این صفت شریف را خواهند داشت.

۲. کرامت ارزشی که از به کار انداختن استعدادها و نیروهای مثبت در وجود آدمی و تکاپو در مسیر رشد و کمال و خیرات ناشی می‌شود. این کرامت، اکتسابی و اختیاری است که ارزش نهایی و عالی انسانی به همین کرامت مربوط می‌شود (۵۵).

حریم خصوصی یا حق خلوت یک ارتباط تنگاتنگ با کرامت و شأن انسانی دارد. آزادی، استقلال، تعیین سرنوشت و نیز تکریم تمامیت مادی و معنوی انسان در سایه‌ی حریم خصوصی و یک فضای لازم جهت رشد و تکامل شخصی افراد میسر است. ممنوعیت افشای اطلاعات محرمانه، استراق سمع، بازرسی، زیر کنترل و نفوذ دیگران بودن و نیز مصونیت مسکن به خاطر احترام به آزادی فردی و تکریم شأن انسانی است.

در تعریف حریم خصوصی گفته شد: قلمروی است که افراد نمی‌خواهند دیگران بدون رضایت آن‌ها به آن وارد شوند. بنابراین، حریم خصوصی با آزادی و استقلال انسان و حق بر تعیین سرنوشت برای خود و در یک کلام، با دفاع از کرامت انسانی ارتباط تنگاتنگی دارد. این ارتباط به دو صورت ظاهر می‌شود:

حریم خصوصی از یک سو فضای لازم برای رشد و تکامل شخصیت افراد را فراهم می‌آورد و به تکریم شخصیت مادی و معنوی انسان می‌انجامد. به انسان‌ها امکان می‌دهد که فارغ از فشارها و ملاحظات و محذورات بیرونی مختلف، عرصه‌های خلوت و تنهایی و آرامش و امنیت خاطر برای خود داشته باشند و در آن عرصه‌ها با تعقیب اهداف و غایات کاملاً خصوصی و خالصانه، درجاتی از صمیمیت را مطابق میل خود یا دیگر هم‌نوعان بر قرار کنند و به ویژه در عرصه‌ی ابراز عواطف و احساسات، شخصیت خود را شکوفا سازند. همچنین به انسان‌ها اجازه می‌دهد که در خلوت‌های ذاتی یا قراردادی خود، افکار و اعمال خویش را مورد محاسبه قرار دهند و دور از چشم و گوش و نظارت دیگران، فارغ از هر گونه بازی و ریاکاری، اصالت و صداقت خود را دست کم در مورد خویشتن ارزیابی کنند. حمایت از حریم خصوصی، زمینه را برای تحقق معنای: «حَاسِبُوا أَنْفُسَكُمْ قَبْلَ أَنْ تُحَاسِبُوا وَ زِنُوا أَعْمَالَكُمْ قَبْلَ أَنْ تَوَزَنَ عَلَيْكُمْ» (خویشتن را محاسبه کنید قبل از آن که مورد محاسبه قرار گیرید، و اعمالتان را بسنجید قبل از آن که سنجیده شوید) فراهم می‌سازد.

از سوی دیگر، حمایت از حریم خصوصی مانع می‌شود که اطلاعات زندگی خصوصی افراد به عاملی برای درهم شکستن آزادی و استقلال و کرامت انسان‌ها، سلطه یافتن بر آنها و استفاده‌ی ابزاری از آنها تبدیل شود. با توجه به این که افراد جامعه نوعاً آن اطلاعات را در مقوله‌ی حریم خصوصی می‌دانند که اصطلاحاً نقطه ضعف آن‌ها محسوب می‌شود به آبرو و حیثیت و کرامت ایشان مربوط است. اگر از این حریم حمایت نشود، برخی درصدد بر می‌آیند که با دستیابی به این اطلاعات، فرد یا افرادی را که با افشای این اطلاعات، آبرو و حیثیت‌شان در خطر می‌افتد تهدید کنند و از آنها به عنوان وسیله‌ای برای برآورده ساختن امیال و خواست‌های خود استفاده کنند (۵۶).

۵۵. محمد تقی جعفری، تحقیق در دو نظام حقوق جهانی بشر از دیدگاه اسلام و غرب، ص ۲۷۹.

۵۶. گروه حقوق خصوصی اداره کل پژوهش و اطلاع رسانی، «گزارش تحلیلی درباره‌ی طرح حمایت از حریم خصوصی»، فصلنامه اطلاع رسانی حقوق، ش ۱۲ (۱۳۸۶)، ص ۲۰۸ – ۲۰۹.

احترام به شخصیت و کرامت انسانی و حیثیت او و تضمین حقوق و آزادی‌های فردی و همگانی هدف اصلی بیش‌تر قوانین و یکی از جهات تشکیل جوامع بوده و هست و به همین خاطر است که در همه‌ی قوانین اساسی، مهم‌ترین بخش قانون را که غالباً جزو اولین اصول است به حقوق و آزادی‌های فردی اختصاص داده‌اند و قوانین عادی نیز ضمانت اجرای این حقوق و آزادی‌ها را مشخص و معین نموده‌اند. در سطح جهانی و بین‌المللی نیز اسناد گوناگونی در حمایت از حقوق و آزادی‌های فردی و همگانی و تکریم شخصیت انسانی که امروزه به حقوق بشر یاد می‌شود، توسط ملل مختلف تنظیم گردیده که مهم‌ترین آن منشور ملل متحد و اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر و دو میثاق بین‌المللی می‌باشد. در واقع آن چه که به عنوان حقوق و آزادی‌های فردی و همگانی یا حقوق بشر تعبیر می‌شود، همگی در راستای پشتیبانی و تضمین احترام به شخصیت و حیثیت و کرامت انسانی است تا در جامعه شرایطی فراهم گردد که زندگی فردی و اجتماعی آدمیان و نوع بشر بهتر و امکان رشد بشر و شکوفایی و پرورش شخصیت آدمیان به وجود آید.

۳-۴. تفاوت حریم خصوصی در حقوق اسلام و غرب

پیش‌تر مبانی حریم خصوصی در حقوق غرب و در حقوق اسلام بیان شد. اکنون به طور کلی تفاوت دیدگاه حقوق اسلام و حقوق غرب در بحث حریم خصوصی را مورد توجه قرار می‌دهیم.

باید توجه داشت حریم خصوصی، زیر مجموعه‌ی «حقوق اساسی» یا «حقوق بشر» است. از این رو، برای بیان تفاوت دیدگاه حقوق اسلام و حقوق غرب درباره‌ی حریم خصوصی، باید در ابتدا تفاوت دو دیدگاه را درباره‌ی حقوق بشر مورد ارزیابی قرار دهیم.

«حریم خصوصی» به معنای خاص و «حقوق بشر» به معنای عام، از منظر حقوق غرب، بر اساس سکولار یا «جدایی دین از سیاست» است و تنها خواست مردم یا اراده‌ی دولت، تعیین‌کننده‌ی قواعد حقوقی است، ولی در نگرش توحیدی اسلام، مبنای مشروعیت قوانین و مقررات حقوقی، اراده‌ی تشریعی خدای متعال است. به مقتضای توحید در ربوبیت تکوینی و تشریعی خداوند، انسان مکلف است که فقط از دستورات و قوانین او اطاعت کند (توحید در عبودیت)، و اطاعت هر قانونی جز قانون الهی، شرک تلقی می‌گردد. به عبارت دیگر، ملاک حقانیت و اعتبار قواعد حقوقی، انطباق آن‌ها با اراده‌ی الهی است. البته تشریع حکم از سوی خداوند بر اساس واقعیات جهان هستی، و نیز بر مصالح و مفاسد نفس الامری در جهت رسیدن انسان به کمال نهایی است (۵۷).

نکته‌ی دیگر آن که حقوق بشر اسلامی، هم خدا محور است و هم انسان محور؛ زیرا اسلام در عین بسیج توجهات به خداوند، از مقام والای انسان و جایگاه او در نظام خلقت غافل نشده است. حتی می‌توان گفت: توجه انسان معاصر به حقوق اساسی خود، از آثار تعلیم انبیاء و آموزه‌های ادیان الهی است (۵۸).

۵۷. سید ابراهیم حسینی و دیگران، فلسفه‌ی حقوق، ص ۱۳۹.

۵۸. محمد هادی معرفت، «نگاهی به حقوق بشر در پرتو خدا محوری یا انسان محوری»، مجله پژوهش حوزه، ش ۳۰-۳۱، ص ۲۸۶.

از دیدگاه «خدا محوری» که شرایع آسمانی بر آن تأکید دارند، خدا در مرکز جهان بینی قرار گرفته و هدف از آفرینش، شناخت و خدا و حرکت به سوی او است: «إِنَّا لِلَّهِ وَ إِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ» (همه جهانیان از او و برای او و به سوی او باز می گردند).

لذا انسان به معنای واقعی، کسی است که حیات و فکر و عمل خود را بر پایه‌ی خلوص نیت و اخلاص در راه به دست آوردن رضایت حق تعالی، استوار نماید و رنگ خدایی به آن بخشد. بر این اساس، منبع کرامت انسانی، توجه خالصانه‌ی وی به سوی خدا و تقوای بی‌شائبه در مقابل حق تعالی است که آیه‌ی مبارکه: «إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاهُمْ»، به آن اشارت دارد. «تقوا» از ریشه‌ی «وقایه» به معنای «تحفظ و تعهد» است و جایگزین آن در زبان فارسی واژه‌ی «پروا» است. انسان با تقوا، انسانی است که به زندگی فردی و اجتماعی متعهدانه می‌نگرد و رفتار می‌کند.

ولی دیدگاه «انسان محوری»- که امروزه در جهان بینی غرب مطرح است- به انسان، مرکزیت اصلی و اساسی می‌بخشد. اعتقاد به این که انسان معیار همه چیز است، اصلی است که در فلسفه‌ی یونان باستان، ابتدا به شکل اساطیری وجود داشت و سپس تمامی مکاتب فلسفی مغرب زمین را فرا گرفت. خدایان یونان قدیم و نیز جهات و رخدادها، آن، مثبت و منفی، پیرامون محور انسان و خواسته‌های او دور می‌زند و رفته رفته در سنت مسیحی اروپایی، یعنی مسیحیتی که سابقه‌ی یهودیت نداشت، رخنه کرده، به گونه‌ی خزنده جایگزین «خدا محوری» می‌گردد. خدا بدین معنا در خدمت انسان و برآوردن نیازهای او در آمده تا آن جا که ضرورت نجات انسان، از پیامد گناهانی که بر حسب طبیعت انسانی مرتکب می‌شود، ایجاد نمود تا خدا انسان شده، در قالب حضرت مسیح قربانی شود. قربانی شدن حضرت مسیح علیه السلام برای نجات بشر از گناه، در واقع امری است در خدمت انسان (انسانی که محور شده) بدون هیچ گونه سودی برای خدا و یا برای حضرت مسیح علیه السلام. به این ترتیب، انسان محوری یونانی غربی، جایگزین خدا محوری- اصل اصیل ادیان آسمانی- گردید.

البته در طول تاریخ، کلیسا به دفعات کوشش نمود تا باور «انسان محوری» را در هم بشکند و با قوانین و فرامین کلیسایی تطابق دهد، یا لا اقل از اطلاق آن بکاهد و محدود نماید، ولی سرانجام نیروی انسان محوری، بر جامعه‌ی غربی حاکم گردید و آن را از آن قیود و محدودیت‌ها به طور کلی رها نمود (۶).

قرار دادن این دو دیدگاه در دو قطب متقابل و مترتب نمودن آثار مثبت و منفی بر آن‌ها، اکنون رواج کامل یافته است؛ ولی آیا واقعیت چنین است و این دو دیدگاه (خدا محوری و انسان محوری) در مقابل هم قرار گرفته‌اند؟

به نظر می‌رسد متقابل قرار دادن این دو دیدگاه از جایگاه دین ناباوری است؛ یا لا اقل این گروه به آن دامن زده‌اند؛ و گر نه چه در اندیشه‌ی یونان باستان و فرض خدایان متعدد و متنوع که در تدبیر این جهان نقش دارند، و چه در اندیشه‌ی جوامع توحیدی که انسان سرآمد آفرینش است، طرحی وجود ندارد که این دو را در دو قطب متقابل قرار دهد؛ بلکه با تأمل در هر یک از آن دو، امکان جمع با کمی تعدیل، میسر به نظر می‌رسد؛ زیرا خدایان متعدد و متنوع یونان که هر یک (رب النوع) مسؤولیت تدبیر جانبی از جوانب جهان هستی را بر عهده دارد، همان صورت منحرف «فالمدبرات امرا» (ناعات (۷۹)، آیه‌ی ۵)؛ «و آن‌ها

که امور را تدبیر می‌کنند؛ می‌باشد که همگی فرمان بردار خدای جهان‌اند: «لَا يَعْصُونَ اللَّهَ مَا أَمَرَهُمْ وَيَفْعَلُونَ مَا يُؤْمَرُونَ» (سوره تحریم (۶۶)، آیه ۶)؛ «هرگز از قوانین او سر باز نمی‌زنند».

همچنین خدمت به انسان، رساندن او به کمال انسانی است تا شایسته‌ی «لقاء الله» گردد و به «رضوان الهی» نایل گردد. لذا هدف، ساختن انسانی است تا شایستگی پیوست به عالم ملکوت را پیدا کند و به سوی حیات جاوید پرواز نماید (۶۲).

اثر و نتیجه‌ی خدا محوری در شرایع آسمانی، بخصوص در اسلام این است که حقوق بشر استنباط شده از مبانی شریعت و در چارچوب اراده و فرمان الهی است و ناگزیر نمی‌تواند مطلق باشد و از تمامی اعتبارات و حیثیات صرف نظر کند. وقتی از حقوق بشر در اسلام صحبت می‌شود، آن بشر نمی‌تواند مطلق باشد، بلکه بشری است که در ارتباط با خدا و منویات او اخلاق کریمه- که کرامت انسانی را تشکیل می‌دهد- قرار گرفته است (۶۳).

قرآن کریم فوق العاده به انسان بها داده است، تا آن جا که او را «خلیفه» (مظهر آتم صفات جمال و کمال) خود معرفی کرده (بقره ۲) آیه ۳۰: «وَإِذَا قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً» به خاطر بیاور هنگامی را که پروردگارت به فرشتگان گفت: من در روی زمین نماینده‌ای قرار خواهم داد. و او را «مسجود» فرشتگان قرار داده (بقره ۲)، آیه ۳۴: «وَإِذَا قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ» و یاد کن هنگامی را که به فرشتگان گفتیم: برای آدم سجده و خضوع کنید؛ پس همگی سجده کردند، جز ابلیس، مقصود از سجود، خضوع مطلق است. از این رو، تمامی نیروهای فعال و عاقل جهان در خدمت انسان قرار گرفته‌اند؛ جز ابلیس که نیروی مقاوم شناخته شده است) و «ودایع ربوبیت» را بدو سپرده (احزاب (۳۳)، آیه ۷۲: «إِنَّا عَرَضْنَا الْأَمَانَةَ عَلَى السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالْجِبَالِ فَأَبَيْنَ أَنْ يَحْمِلْنَهَا وَأَشْفَقْنَ مِنْهَا وَحَمَلَهَا الْإِنْسَانُ إِنَّهُ كَانَ ظَلُومًا جَهُولًا» ما امانت (تعهد، تکلیف و ولایت الهی را بر آسمان‌ها و زمین و کوه‌ها عرضه داشتیم، آن‌ها از حمل آن سر برتافتند، و از آن هراسیدند؛ اما انسان آن را بر دوش کشید؛ او بسیار ظالم و جاهل بود (چون قدر این مقام عظیم را نشناخت و به خود ستم کرد) و تمامی نیروهای فعال جهان هستی اعم از عاقل و غیر عاقل، چه در عالم سُفلا و چه در عالم عُلوا، در اختیار کامل او است. (جاثیه (۴۵)، آیه ۱۳: «وَسَخَّرَ لَكُم مَّا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا» او آن چه در آسمان‌ها و آن چه در زمین است همه را از سوی خودش مسخر شما ساخته است). بنابراین، او را گرمی داشته و آفریده‌ی برتر شمرده (اسراء (۱۷)، آیه ۷۰: «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا» ما آدمیزادگان را گرمی داشتیم؛ و آن‌ها را در خشکی و دریا (بر مرکب‌های راهوار) حمل کردیم؛ و از انواع روزیهای پاکیزه به آنان روزی دادیم؛ و آن‌ها را بر بسیاری از موجوداتی که خلق کرده‌ایم، برتری بخشیدیم) و در آفرینش او به خود تبریک گفته است (مؤمنون (۲۳)، آیه ۱۴: «ثُمَّ أَنْشَأْنَاهُ خَلْقًا آخَرَ فَتَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ» سپس آن را آفرینش تازه دادیم، پس بزرگ است خدایی که بهترین آفرینندگان است).

آیا این خود نمی‌رساند که آفرینش انسان، غایه الغایات اساس آفرینش است، و انسان است که محور اصلی آفرینش و راز هستی است؟

۶۱. محمد هادی معرفت، پیشین، ص ۲۱۸.

۶۲. همان.

از این رو است که خداوند انسان کامل را مورد خطاب قرار داده می‌گوید: «خَلَقْتُ الْأَشْيَاءَ لِأَجْلِكَ، وَ خَلَقْتُكَ لِأَجْلِي» (۶۶) همه چیز را برای تو آفریدم، ولی تو را برای خودم آفریدم!

در حالی که حقوق بشر از دیدگاه «انسان محوری» مطلق است و انسان تسلیم هیچ محدودیتی بیرون از حیطه‌ی بشری نیست تا بتواند اطلاق خود را حفظ کند. بنابراین، در تنظیم حیات فردی و اجتماعی خود تنها از خواسته‌های خود الهام گرفته و از جایی و سرایی دیگر که بخواهد تأثیر گذار در زندگی وی در این سرا باشد، دستوری دریافت نمی‌کند؛ زیرا دید او نسبت به این حیات صرفاً مادی است و بیرون از ماده، هستی دیگری قائل نیست (۶۴) «إِنْ هِيَ إِلَّا حَيَاتُنَا الدُّنْيَا نَمُوتُ وَ نَحْيِي وَ مَا نَحْنُ بِمَبْعُوثِينَ» (مؤمنون ۲۳)، آیه‌ی ۳۷؛ مسلماً غیر از این زندگی دنیای ما، چیزی در کار نیست؛ پیوسته گروهی از ما می‌میریم، و نسل دیگری جای ما را می‌گیرد؛ و ما هرگز برانگیخته نخواهیم شد!

دخالت شارع مقدس در تمامی شؤون انسان‌ها، مساوی با دخالت حکومت در تمامی آن شؤون نیست؛ اما از سویی دیگر، حیطه‌ی خصوصی با معنا و مصادیقی که در حقوق غرب مطرح است نیز مسلماً در فقه اسلامی پذیرفته نشده است؛ زیرا یکی از مصادیق بارز حیطه‌ی خصوصی در غرب، روابط جنسی است که در اسلام دارای محدودیت‌های فراوان بوده و موارد نامشروع آن، مجازات‌های مختلفی را داراست. همین گونه است مسأله‌ی «اعتقادات» که بنا بر دیدگاه بسیاری از فقها، حداقل ابراز و تبلیغ کفر از جانب مسلمانان دارای ممنوعیت و محدودیت است.

اگر حیطه‌ی خصوصی را اعمالی بدانیم که ضرر آن عمدتاً و مستقیماً متوجه خود شخص می‌شود، بسیاری از اعمال همچون: شرب خمر، روابط نامشروع جنسی، استعمال مواد مخدر، دیدن فیلم‌ها و عکس‌های مستهجن، رضایت به مرگ در قتل از روی ترحم، قمار بازی و غیره در محدوده‌ی آن قرار می‌گیرد؛ در حالی که این گونه اعمال در اسلام قابل مجازات شناخته شده است.

نتیجه آن است که در اسلام نمی‌توان دقیقاً حیطه‌ای را تعیین نمود که حکومت اسلامی مطلقاً از قانون گذاری در آن نهی شده باشد، یا حداقل نمی‌توان ادعا نمود مصادیق شناخته شده حیطه‌ی خصوصی در ادبیات حقوقی غرب، در اسلام نیز حیطه‌ی خصوصی تلقی می‌شود (۶۵)

اما از سویی دیگر، بر اساس فقه اسلام، تمامی رفتارهای شهروندان و زندگی خصوصی آنان نیز در معرض دخالت حکومت اسلامی نخواهد بود؛ یعنی برخورد حکومت اسلامی با آن چه که در غرب، حیطه‌ی خصوصی نامیده می‌شود، برخوردی ویژه و مختص به خود است. اجمالاً می‌توان گفت: این حیطه به طور نسبی مورد رعایت قرار گرفته است. اما این اجمال نیازمند شرح و بسط بیش‌تری است که بدان خواهیم پرداخت.

باید خاطر نشان ساخت که رعایت حیطه‌ی خصوصی شهروندان منحصر بدان نیست که حکومت هیچ گونه قانونی در آن مورد وضع نکند، بلکه طرق دیگری نیز قابل تصور است. «عدم وضع قانون»، حد اعلای آزادی شهروندان و رعایت کامل حیطه‌ی

۶۳. حدیث قدسی.

۶۴. محمد هادی معرفت، پیشین، ص ۲۸۸.

۶۵. جلال الدین قیاسی، «حق خلوت در سیاست کیفری اسلام»، مجله پژوهش حقوق دانشگاه قم، ش ۱ (۱۳۸۸)، ص ۱۵۲.

خصوصی است، ولی طرق دیگر رعایت حیطه‌ی خصوصی، اتخاذ روش‌هایی است که در عین جرم انگاری عمل، نتیجه‌ی نهایی، عدم تعقیب جرم مذکور یا عدم مجازات آن است و در واقع شخص به گونه‌ای دیگر در مقابل اقتدار حکومت، احساس امنیت خواهد کرد.

به نظر می‌رسد بر اساس آموزه‌های اسلام، مصونیت حیطه‌ی خصوصی، از دخالت حکومت، از چند طریق امکان پذیر است. برخی از این طرق، «جنبه‌ی تقنینی» دارد و برخی «جنبه‌ی قضایی».

بند اول. مصونیت حیطه‌ی خصوصی در حکومت اسلامی از لحاظ تقنینی:

در یک حکومت اسلامی، قانون‌گذار در مورد جرم انگاری گناهان منصوص در شریعت، به شکل‌گزینی و بر اساس مصلحت عمل می‌کند و تنها برخی از آنها را جرم اعلام می‌کند. بر این اساس، پاره‌ای از گناهان علی رغم کلام فقها در خصوص تعزیر مطلق گناهان (۹۹) خصوص گناهان کبیره (۱۰۰) می‌تواند مورد مسامحه قرار گیرد.

جمهوری اسلامی ایران در طول سال‌های گذشته از چنین سیاستی پیروی کرده است. به عنوان مثال، ترک وظایف دینی همچون نماز، روزه و حج از گناهان کبیره شمرده می‌شود (۱۰۱) و دید فقیهان اسلام، تعزیر مرتکب آن واجب است (۱۰۲) حتی شیخ طوسی با استناد به حدیث: «مرتکبین گناهان کبیره در مرتبه‌ی سوم کشته می‌شود» (۱۰۳) معتقد است هر کس از روی تنبلی، نماز را ترک کند، تعزیر می‌شود و در مرتبه‌ی چهارم باید کشته شود (۱۰۴) این در حالی است که نه نظام قانون‌گذاری ما چنین گناهی را جرم انگاری کرده و نه دستگاه قضایی با استناد به اصل ۱۶۷ قانون اساسی (اصل ۱۶۷ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران: «قاضی موظف است کوشش کند حکم هر دعوا را در قوانین مدوّنه بیابد و اگر نیابد با استناد به منابع معتبر اسلامی یا فتاوی معتبر، حکم قضیه را صادر نماید و نمی‌تواند به بهانه سکوت یا نقص یا اجمال یا تعارض قوانین مدوّنه از رسیدگی به دعوا و صدور حکم امتناع ورزد»)، به تعقیب و مجازات چنین مجرمینی پرداخته است. در چنین مواردی سعی بر آن است که بیش‌تر از ضمانت اجراهای اخلاقی و دینی استفاده شود.

تسامح در جریان حق الله، نیز از اموری است که هم واجد جنبه‌ی تقنینی و هم واجد جنبه‌ی قضایی است. توجه به تقسیم دو گانه‌ی جرایم به «حق الله» و «حق الناس» در اسلام نشان می‌دهد آن چه در «جرایم حق الله» جرم انگاری شده است، همان امور مربوط به «حیطه‌ی خصوصی» است؛ زیرا اگر ضرری متوجه شخص خاصی شود، در زمره‌ی «حق الناس» قرار خواهد

۶۶. ر.ک: حسین علی منتظری: دراسات فی ولایة الفقیه: ج ۲، ص ۳۱۴.

۶۷. ر.ک: محمد حسن نجفی، جواهر الکلام، ج ۱، ص ۴۴۷.

۶۸. روح الله خمینی، تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۲۶۰.

۶۹. ابن ادریس حلی، سرائر، ج ۳، ص ۵۳۴؛ ابن فهد حلی، مهذب البارع، ج ۵، ص ۶؛ ابن حزم، المحلی، ج ۱۱، ص ۳۷۹.

۷۰. حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۸، ص ۳۱۴.

۷۱. محمد بن حسن طوسی، المبسوط، در سلسله الینابیع الفقیه، ج ۳۱، ص ۲۸۴.

گرفت. توجه ضرر به خداوند نیز امری غیر ممکن است. طبعاً اصطلاح «حق الله» ناظر به اموری است که ضرر آن عمدتاً متوجه خود مرتکب است و اتفاقاً در همین جا است که فقه اسلامی به «تسامح» حکم نموده است (۷۲) و ادله‌ی اثبات و احکام دادرسی نیز به نفع متهم است. به عنوان مثال، سخت‌گیری در اثبات «جرائم جنسی» توسط شارع مقدس یکی از روش‌های تقنینی است که نهایتاً منجر به عدم اثبات جرم و مصونیت بیش‌تر «حیطه‌ی خصوصی» خواهد شد. در چنین حالتی، جرم انگاری بیش‌تر جنبه‌ی اعلامی و ارزش‌گذاری و اخلاقی دارد.

بنابراین، می‌توان گفت: بر خلاف دیدگاه برخی از نویسندگان که «حیطه خصوصی» را مفهومی بدون مصداق دانسته‌اند، از دیدگاه قانون‌گذار اسلامی با لحاظ این که آیا ضرر، متوجه خود شخص یا دیگران شود، مجموعه‌ای از اعمال را می‌توان یافت که تحت عنوان «تجاوز به حق الله» از بقیه تفکیک شده و حکم خاصی یافته‌اند. موضوع این جرایم، مطابق یا مشابهت فراوانی با موضوع حیطه خصوصی در ادبیات حقوقی غرب دارد (۷۳).

بند دوم. مصونیت حیطه‌ی خصوصی از لحاظ قضایی

عدم تجسس، حسن ظن به افراد، اصل صحت در رفتار مسلمان و استفاده از اختیارات قضایی؛ مانند: عفو متهم از مواردی است که مربوط به مرحله کشف جرم و به نحوی دارای ماهیت قضایی است. بر این موارد، می‌توان عفو متهم در مرحله مجازات و پذیرش توبه در مرحله دادرسی را افزود. به عنوان مثال، هر چند در حکومت اسلامی روا بط نامشروع حتی با رضایت طرفین و در خلوت نیز جرم شناخته شده است، اما اثبات آن بسیار دشوار است و حتی اگر کسی خود بدین کار اعتراف نماید، قاضی حق عفو وی را دارد (۴۰۴). علاوه بر آن که اصولاً نه تنها تشویقی به تحصیل دلیل در این موارد نشده، بلکه تجسس از آن نیز منع شده است.

در مورد عقاید نیز هر چند جامعه اسلامی نسبت به عقاید کفر آمیز و شرک آمیز سخت گیر بود، ولی هر کس می‌توانست تنها با گفتن دو جمله «شهادتین» (دو جمله شهادتین شامل: «أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ» است)؛ از تمامی حقوق مسلمانان برخوردار باشد. به همین دلیل، در جامعه اسلامی گروهی به نام «منافقین» به رسمیت شناخته شده بودند. اینان کسانی بودند که کفرشان مسلم بود، ولی با تظاهر به مسلمانی از حقوق مسلمانان برخوردار بودند. حضرت امیر المؤمنین علیه السلام در مورد معاویه و دیگر افراد بنی اُمیه چنین فرمود: «سوگند به کسی که دانه را شکافت و انسان را آفرید، دشمنان ما اسلام را نپذیرفتند، بلکه ظاهراً مسلم شدند و کفر را پنهان کردند. پس هنگامی که یاورانی بر ضد اسلام یافتند، آن را آشکار کردند».

منافقان در جنگ با پیمان شکنان بنی نظیر به یاری آنان شتافتند (۵۵) و جنگ اُحُد با بازگرداندن نیروی نظامی خود از نیمه راه به تضعیف نیروی نظامی مسلمانان پرداختند (۷۶) در جنگ با یهودیان بنی قینقاع، رهبر آنان عبدالله بن اُبی، به پیامبر

۷۲. محمد حسن نجفی، جواهر الکلام، ج ۴۱، ص ۳۹۹ و ۴۰۵.

۷۳. جلال الدین قیاسی، «حق خلوت در سیاست کیفری اسلام»، مجله پژوهش حقوق دانشگاه قم، ش ۱ (۱۳۸۸)، ص ۱۵۴.

۷۴. محمد حسن نجفی، جواهر الکلام، ج ۴۱، ص ۳۹.

۷۵. اسماعیل ابن کثیر، السیره النبویه، ج ۳، ص ۱۴۴.

اسلام صلی الله علیه و آله جسارت‌های عظیم روا داشت (۷:۷) در قرآن کریم سوره‌ی مستقلی به نام «منافقون» نازل شد و آیات فراوان دیگری در جای جای قرآن کریم به رفتار و کردار آنان اشار کرده است، تا آن جا که برخی از محققان تعداد این آیات را تا یک دهم قرآن گفته‌اند (۷:۸) آنان آن چنان مسلمانان را به ستوه آورده‌ند که پسر عبدالله ابن ابی، رئیس منافقان، راه را بر پدر خود بست تا وارد مدینه نشود و به نقلی دیگر خواستار قتل او شد، ولی پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: با او مدارا کن، ما نیز با او مدارا خواهیم کرد (۷:۹)

چنین وضعیت دوگانه‌ای برای منافقین که از یک سو خود را مجبور به اظهار اسلام دیدند و از سویی دیگر تحریکاتی داشتند که کفر آنان را ثابت می‌کرد، ولی علی رغم آن از حقوق کامل شهروندی برخوردار بودند، نشانگر آن است که در اسلام عقیده به کلی از حیطة دخالت حکومت مصون نیست، اما مانند حکومت‌های تمامیت خواه نیز که هیچ گونه عقیده مخالفی را حتی به نحو پنهانی تحمل نمی‌کنند، تلاشی برای دستیابی به عقاید دیگران و محکومیت آنان صورت نمی‌گیرد.

به طور کلی می‌توان گفت: هدف اسلام از جرم انگاری در خصوص اموری که مربوط به حیطة خصوصی است، عمدتاً پیشگیری از امور فوق به نحو مشهود و در مجامع عمومی است؛ همچنان که عذاب قوم لوط به دلیل ارتکاب نوع خاصی از جرایم جنسی، در حالی صورت گرفت که آنان به نحو مشهود بدان جرم می‌پرداختند، و گر نه چه بسیار اقوام دیگر که بدین جرم آلوده بوده‌اند.

۵. امر به معروف و نهی از منکر

در جمهوری اسلامی ایران دعوت به خیر، امر بمعروف و نهی از منکر، وظیفه‌ای است همگانی و متفاوت بر عهده ی مردم نسبت به یکدیگر، دولت نسبت بر مردم و مردم نسبت به دولت. با پیروزی انقلاب اسلامی ایران و تشکیل جمهوری اسلامی، مسلمانان ایران به یکی دیگر از آرزوهای دیرینه ی خود دست یافتند و یکی از بنیانی‌ترین و سازنده‌ترین قوانین اسلامی؛ یعنی «امر بمعروف و نهی از منکر» نیز مورد توجه مسؤولین امر قرار گرفت و با این که قانون الهی است و تصویب و عدم تصویب افراد بشر در آن اثری ندارد، اما تصویب شدن این قانون در مجلس خبرگان، از رشد فکری افراد جامعه و بیداری آنان و دلسوزی و آگاهی خبرگان حکایت می‌کند که امید است باعمل کردن به همه ی قوانین اسلام، سعادت جامعه تضمین گردد و امت ما الگوی واقعی انسان اسلامی در جهان باشد.

۱.۵. امر به معروف و نهی از منکر ضرورت همگانی

۷۶. موسی بن عقبه، المغازی النبویه، ص ۲۶۴.

۷۷. اسماعیل بن کثیر، السیرة النبویه، ج ۳، ص ۶.

۷۸. جعفر سبحانی، منشور جاوید، ج ۴، ص ۶.

۷۹. فضل بن حسن طبرسی، مجمع البیان، ج ۵، ۲۹۴.

وظیفه ما نسبت به بازداشتن دیگران از کار زشت یا منکر چیست؟ بسیاری از فرهنگها جوابی برای این پرسش ندارند و یا پاسخی ساده برای آن دارند. شگفت انگیزترین فرهنگها اسلام است که در آن «امر به معروف و نهی از منکر» وظیفه‌ای دینی است و ریشه در قرآن و حدیث و سنت صالحان دارد.

مایکل کوک، استاد تحقیقات خاور نزدیک دانشگاه پرینستون آمریکا و اسلام‌شناس متفکر در یکی از روزهای ماه سپتامبر ۱۹۸۸ در روزنامه‌ای می‌خواند که در ایستگاه قطار شهری شیکاگو، در حضور جمعی از مردم زنی مورد تجاوز جنسی قرار می‌گیرد. زن از حاضران در صحنه کمک می‌خواهد، ولی فریادهای او بی‌پاسخ می‌ماند. متجاوز به سادگی از صحنه می‌گریزد. پس از رسیدن قطار، همه با بی‌تفاوتی بر آن سوار می‌شوند و به راه خود می‌روند. از میان ناظران در صحنه، تنها یک نفر برای دستگیری متجاوز فراری، با پلیس همکاری می‌کند.

نویسنده کتاب پس از خواندن این خبر با خود می‌اندیشد: «ما به نوعی وظیفه داریم دیگران را از ارتکاب کارهای ناپسند نسبت به هموعان خود باز داریم»، اما به این نتیجه می‌رسد که در زندگی دنیای غرب نامی برای این وظیفه وجود ندارد و این فرهنگ به تدوین کلی مواردی که باید آن را به کار برد و شرایطی که می‌توان این وظیفه را ترک کرد نپرداخته است. نویسنده که محقق اندیشمند است، اعتراف می‌کند که خود چیزی در این مورد نمی‌دانسته، تا اینکه در جریان پژوهشهای اسلامی خود، از آن آگاه شده و دریافته است که اسلام نام و تعالیمی ویژه برای چنین وظیفه‌ای دارد که اسم آن «امر به معروف و نهی از منکر» است.

او با مراجعه به حدود دو هزار عنوان کتاب و نسخه خطی، که بیشتر آنها به زبانهای عربی، فارسی و ترکی است و خوشه‌چینی از خرمن فیض اندیشمندان و صاحب‌نظران مسلمان و غیرمسلمان و با صرف نزدیک به چهارده سال وقت به بررسی این وظیفه در دورانهای مختلف و مذاهب و فرقه‌های متفاوت و سرزمینهای گوناگون اسلامی می‌پردازد و بخش بسیار مختصری را به آرای اندیشمندان غیرمسلمان؛ مانند ابن میمون و ابن عبری اختصاص می‌دهد. (۸)

۲.۵. اهمیت امر به معروف و نهی از منکر در منابع اسلامی

خداوند متعال خطاب به مؤمنین می‌فرماید:

كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَتُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ ... (آل عمران ۱۱۰) (بهترین امت برای مردم هستید که پدید آمده است، مادامی که امر به معروف و نهی از منکر می‌کنید و به خدا ایمان می‌آورید).

و نیز می‌فرماید: "وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ" (آل عمران ۱۰۴).

(و باید از شما گروهی متشکل باشند که پیوسته به خیر فرا می‌خوانند و به معروف امر می‌کنند و از منکر باز می‌دارند و آنان همان رستگارانند).

۸۰. احمد نمایی، «امر به معروف و نهی از منکر در اندیشه اسلامی»، مجله حکومت اسلامی، ش ۳۳ (۱۳۸۳)، ص ۲۳۷-۲۳۸.

همچنین از حکمت های لقمان نقل می فرماید که گفت: «يَا بُنَيَّ أَقِمِ الصَّلَاةَ وَ أْمُرْ بِالْمَعْرُوفِ وَ أَنْهَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ اصْبِرْ عَلَى مَا أَصَابَكَ إِنَّ ذَلِكَ مِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ» (لقمان ۱۷).

(ای فرزندم نماز را به پادار و امر به معروف کن و از منکر بازدار و بر آنچه به تو می رسد صبر کن که آن از امور بزرگ است).

رسول خدا (ص) فرمودند: «إذا امتی تواکلت الأمر بالمعروف و النہی عن المنکر فلیأذنوا بوقاع من الله تعالی»، «وقتی امت من امر به معروف و نهی از منکر را به یکدیگر واگذاشتند، پس آماده واقعه ای از جانب خدا باشند».

همچنین از آن حضرت نقل شده است که اگر معصیت مخفیانه انجام گیرد، فقط به عاملش ضرر می زند ولی اگر آشکارا صورت بگیرد و کسی هم برای دفع و تغییر آن برنخیزد، ضررش متوجه کل جامعه می گردد.

شکی نیست که امروز جبهه ی کفر و استکبار با حربه ی فساد و فحشا، و نا امنی اخلاقی و ترویج فرهنگ غربی در حال جنگ با مسلمانان و نظام اسلامی است و مبارزه با آن وظیفه شرعی و قانونی همه است.

ما به عنوان مسلمانانی که بر صبر و استقامت در راه اسلام و مبانی فکری و اعتقادی و عمل به احکام آن تأکید دارند و حاضر نیستند زیر بار خواسته های استکبار بروند، همواره مورد شدیدترین تهاجمات دشمنان مستکبر و حامیان و ایادی آنان قرار داریم. امروز پس از گذشت بیش از سی سال از پیروزی انقلاب اسلامی هنوز در حال جنگی شدید با جبهه ی کفر و استکبار هستیم؛ اما به ظاهر نه جنگی نظامی بلکه جنگ نرم. فعالیت های ضد ارزشی و ضد فرهنگی دشمنان به شکل های مختلف از یک طرف و فریب عده ای و همنوایی و هم رنگی عده ای دیگر با فعالیت های دشمنان از سوی دیگر فضای نامطلوبی از نظر مذهبی ایجاد می کند.

اگر به وظیفه ی اسلامی خود عمل نکنیم، این عکس العمل درونی نیز بعد از مدتی فراموش می شود و در مقابل انواع منکرات و بی حیایی، رفته رفته بی تفاوت می شویم و غیرت دینی و حمیت اسلامی و اعتقادی خود را از دست می دهیم.

همه ما دوست داریم جامعه ای امن و پویا و پیشرو در مسیر رشد مادی و معنوی داشته باشیم. جامعه ای که در آن هنجار شکنان احساس نا امنی کنند و آزادی عمل برای ارتکاب منکرات نداشته باشند. چنین جامعه ای فقط در سایه امر به معروف و نهی از منکر عمومی به وجود خواهد آمد. در روایت است که اگر این فریضه در جامعه ای ترک شود اشرار بر آن حاکم خواهند شد.

تحقق جامعه انسانی اسلامی متوقف بر امنیت اجتماعی، در تمام ابعاد است و همه ی ابعاد امنیت اجتماعی از یک سو متوقف بر عدالت اجتماعی و از سوی دیگر متوقف بر نظارت و مراقبت عمومی در قالب دعوت به خیر و امر به معروف و نهی از منکر است.

امر به معروف و نهی از منکر یک دفاع است، دفاع از حریم جامعه و حقوق شهروندی و دفاع از امنیت فکری و اخلاقی خود و اطرافیانمان.

۳.۵. امر به معروف و نهی از منکر عاملی برای تأمین حقوق افراد جامعه

اگر کسی با ابزار آلاینده، فضای زیست و هوای تنفسی دیگران را آلوده کند، یا اگر کسی سوار بر قایق، قسمتی را که خودش نشسته سوراخ کند و همراهان را در معرض غرق شدن قرار دهد، یا اغذیه فروشی با عرضه ساندویچ های فاسد، مشتریان را

گرفتار بیماری و مسمومیت سازد، یا شخصی منبع آب یک شهر را مسموم کند و مردمی را که از آب لوله‌کشی استفاده می‌کنند، دچار خطر کند، آیا مردم جامعه به او اعتراض می‌کنند یا نه؟ یا اصلاً «حق اعتراض» و برخورد و شکایت و جلوگیری دارند، یا نه؟

مگر نه این که «آزادی» است؟! پس به دیگران چه مربوط؟ مگر نه این که دیگران هم از آب و هوا و آزادی حقی و سهمی دارند؟

این همان ماجرای «نهی از منکر» است که به کام برخی تلخ می‌آید و می‌پندارند عمل به این فریضه، مغایر با آزادی افراد است و «تذکر لسانی» و «برخورد قانونی» را ورود به «حریم خصوصی» اشخاص می‌دانند و برنمی‌تابند؛ در صورتی که اگر آن خاطیان حقی دارند، دیگران هم حقوقی دارند!

کسی که فکر می‌کند حق دارد هرگونه خواست زندگی کند و هر نوع سخنی بگوید و هر لباسی بپوشد و هر کاری خواست بکند، یعنی این که حق دارد گنداب و فاضلاب زندگی خود را به معابر و اماکن عمومی رها سازد و به‌خاطر «دل» خود، «دین» مردم را سست کند و برای خوش بودن خویش، دیگران را برنجاند.

آیا نهی از «هنجارهای غلط» فضولی در کار دیگران است، یا دفاع از حق جامعه؟ فرد مقدم است یا جمع؟ هوس شخصی مقدم است یا مصلحت جمعی؟ نهی از منکر، محدود ساختن مجرمان است، تا مصونیتی برای صالحان فراهم آید. آیا این بد است؟ نهی از منکر، سمپاشی محیط‌های آلوده و آفت‌زدایی است، تا «عفونت معصیت» مشام انسان‌های سالم را نیازارد. کجای این نامعقول است؟ نهی از منکر کشیدن آژیر هشدار است، تا غافلان به کمین‌گاه دزدان نروند، یا در سرایشی سقوط و پرتگاه تباهی نیفتند، و این هشدار، به سود جامعه است. اگر نهی از منکر، خودسران و خطاکاران را ناراحت و ناراضی می‌کند، موجب رضای خداست. و این بهتر است، چراکه رضای الهی ماندگار است. در کنار نهی از منکر، «امر به معروف» است که نشانه رشد و بالندگی و حیات جامعه است.

چرا در فرهنگ دینی و زبان معصومان (علیهم السلام)، این فریضه، برترین واجبات به‌شمار آمده‌است؟ چون جامعه بدون این نظارت و حساسیت و واکنش، جامعه‌ای مرده و خمود است، بی حق و بی‌تعهد است.

امر به معروف و نهی از منکر، افزون بر آن که «تکلیف شرعی» است، وظیفه اخلاقی و تعهد اجتماعی و نشان غیرت انسانی و حمایت از قانون و موجب بهره‌وری از آثار و برکات فرهنگ تذکر و یادآوری است. عطارافشانی در هوای «مسموم از هوای نفس» را از یاد نبریم.

۴,۵. نسبت امر به معروف و نهی از منکر با حریم خصوصی

پس از بیان اهمیت حریم خصوصی و جایگاه ویژه‌ی دو فریضه الهی؛ یعنی امر به معروف و نهی از منکر، این سؤال مطرح است که از نظر قلمرو، چه نسبتی بین این دو مفهوم وجود دارد؟ آیا اجرای اوامر و نواهی الهی در جامعه با حریم خصوصی افراد در تضاد است یا یکدیگر است؟ در این باره به چند نکته اشاره می‌شود:

اول. فقها و دانشمندان اسلامی با توجه به احادیث گوناگون، از معصومین (ع) یکی از شرایط وجوب امر به معروف و نهی از منکر را، این دانسته‌اند که شخص منحرف و گناهکار، به انحراف و گناه خویش، اصرار داشته باشد و آن را تکرار نماید و چنانچه معلوم شود که از اعمال انحرافی خویش توبه نمود و دیگر در صدد اصرار و تکرار نیست، این وظیفه از عهده ما ساقط خواهد شد. در این حالت، بین حریم خصوصی و آن دو فریضه الهی ضدیتی پیش نمی‌آید، تا در صدد بیان و توضیح آن باشیم.

دوم. در نظام‌های دموکراسی غربی اصل امر به معروف و نهی از منکر نه تنها مطلوب نیست، بلکه خلاف قانون است؛ یعنی اگر کسی مطابق این ضابطه شرعی ما عمل کند، می‌توان از دست او شکایت کرد و او را به زندان انداخت. در صورتی که اگر در خیابان‌های حکومت اسلامی کسی تجاهر به فسق کند می‌توان به او تذکر داد و جلوی او را گرفت و این کار نه تنها مذموم نیست بلکه واجب است.

از این جا تفاوت مبانی در تفاوت دیدگاه‌ها روشن می‌شود. بر اساس دموکراسی غربی محدوده امر به معروف و نهی از منکر به حداقل می‌رسد و در بسیاری از موارد امر و نهی، جرم تلقی می‌شود؛ در حالی که بر اساس دیدگاه اسلام امر به معروف و نهی از منکر نه تنها جرم است، بلکه وظیفه همگان است که نسبت به آن اهتمام داشته باشند. بر این اساس، منکر و یا ترک معروف هرگاه جنبه عمومی پیدا کند و این امکان وجود داشته باشد که این صفت غیر اخلاقی به دیگران سرایت پیدا کند در این حالت مرتکب منکر و گناه نمی‌تواند به حق حریم خصوصی تمسک پیدا کند، بلکه امر به معروف و نهی از منکر تقدم پیدا می‌کند.

به عبارت دیگر، در کنار حقوق مردم، حق دیگری هم مطرح می‌شود به «حق الله». برای مثال، حجاب تا آن جا که در حریم زندگی خصوصی افراد است، یک امر فردی و خصوصی است و کسی نمی‌تواند دخالت کرده و تجسس نماید، ولی آن گاه که به یک امر اجتماعی تبدیل شد و با حقوق دیگران ارتباط پیدا کرد، حکومت و حاکم می‌تواند از باب نهی از منکر و صیانت از اخلاق و معنویت جامعه، حجاب را الزامی کند و برای آن رعایت نکردن آن، مجازات تعیین نماید. بی‌حجابی از محرمات الهی محسوب می‌شود و طبق قاعده «هر فعل حرامی قابل تعزیر است» () و تعزیر نیز با نظر حاکم است، یعنی از دیدگاه فقهی^۸ حاکم شرع می‌تواند برای جلوگیری از گسترش محرمات الهی و بالخصوص بی‌حجابی، مجازات وضع کند.

اسلام آزادی‌های فردی را به خاطر منافع اجتماعی محدود می‌کند. ارتکاب گناه در جامعه به صورت علنی، خود گناه دیگری محسوب می‌گردد؛ مثلاً روزه خواری یک گناه است و تظاهر به روزه خواری در ملاء عام گناه دیگر؛ زیرا اثرات نامطلوبی بر جامعه اسلامی خواهد گذاشت. اساساً فلسفه امر به معروف و نهی از منکر همین است؛ یعنی به منظور صیانت جامعه از فساد، اسلام گفته است که بر هر مسلمان واجب است امر به معروف و نهی از منکر کند.

۸۲. العناوین الفقهیة، ج ۲، ص ۶۲۷، قاعده ۴: «کل ما لم یرد فیه حد من الشرع فی المعاصی، ففیه التعزیر».

شما فرض کنید که در درون قایقی نشسته اید و عده ای هم در کنار شما هستند و شما هم شنا بلد نیستید. ناگهان در وسط دریا، کسی می خواهد قایق را سوراخ کند، یا کاری انجام دهد که مردم غرق شوند، در این حالت آیا شما خواهید گفت که او آزادی دارد که هر کاری را بکند، مزاحم او نشوید. یقیناً شما به منظور جلوگیری از غرق شدن قایق و آسیب نرسیدن به سرنشینان آن، در جای خود نمی نشینید، مگر این که کاری از دست شما بر نیاید. آیا انتظار دارید که دیگران به کمک شما بیایند یا به کمک خرابکار؟ البته ممکن است شما در تلقی خود، جامعه را همانند کشتی در دریا ندانید که در این بستر انسان ها باید به ساحل نجات راه یابند، اما این مبانی خاص خودش را دارد که باید در فرصت دیگری بدان پرداخت.

دیدگاه اسلام نسبت به اخلاق در یک جامعه‌ی اسلامی فراتر از قاعده‌ی هزینه و فایده‌ی صرف و یا نفی مادی و عینی اشخاص می‌باشد. در اخلاق اسلامی غیر از نفی شخصی که گاهی ممکن است در موضوعی وجود داشته و یا نداشته باشد؛ بحث خدا و اعتقاد به آخرت بسیار حایز اهمیت است. در حقیقت شخصی که عملی را انجام می‌دهد یا نمی‌دهد فارغ از منافع مادی و دنیوی، خود را در محضر خداوند احساس می‌کند و با وجود اعتقادهای درونی که نسبت به درست یا غلط بودن عمل خود دارد، به نوعی مصادیق آن را رعایت می‌نماید.

پس حکومت اسلامی و حاکمان آن در برابر تعلیم و تربیت، جوانان و نوجوانان و عامه‌ی مردم مسئول اند و شرعاً و قانوناً مجاز نیستند اسباب و علل کم رنگ شدن دین و اخلاق جامعه را فراهم آورند و می‌بایست در مسیر حفظ سلامت روح و روان جامعه و تعالی اخلاق و کرامت های انسانی تلاش کنند.

سوم. می توان گفت که رفتارها و اعتقادات افراد سه صورت دارد: در مواردی، کاملاً این باورها و رفتارها شخصی است و به هیچ وجه جنبه‌ی اجتماعی ندارد؛ مثل آن که فرد در منزل شخصی، نوع خاصی غذا می خورد یا لباس می پوشد که در این صورت باید گفت: راهی برای ورود به این ساحت وجود ندارد و هر گونه ورود، مصداق تجسس و در نتیجه تحقق نهی الهی (لا تجسسوا) خواهد بود؛ چرا که تنها راه فهمیدن این نوع مسائل، تجسس و تحسس است. صورت دیگر، رفتار یا باوری است که می تواند اثر اجتماعی داشته باشد، ولی فرد تلاش می کند که رفتار یا باورش به هیچ عنوان، اثر اجتماعی نداشته باشد و لذا مانع از تسری آثار آن بر جامعه می شود. این مورد هم مصداق حریم خصوصی و متعلق به فرد است و ورود دیگران به آن و افشای آن، مصداق اشاعه‌ی فحشا خواهد بود. اگر شبهه یا سؤالی ایجاد شود که چرا این بخش، متعلق به حریم خصوصی شده است، پاسخ این خواهد بود که آیات قرآنی در خصوص عدم تجسس، عدم ورود به منزل و عدم تعدی به آبرو، عام است و تخصیص، دلیل می‌خواهد.

صورت سوم، مواردی را شامل می شود که عمل، کاملاً جنبه ی عمومی پیدا می کند. این صورت جای اجرای فریضه ی امر به معروف و نهی از منکر است؛ چرا که این حوزه، متعلق به حریم عمومی است. عمومیت یافتن عمل یا به دلیل آثار و نتایج آن است و یا به دلیل ذات عمل و ماهیت آن؛ چنانچه می تواند به اعتبار موقعیت و ویژگی خاص آن باشد. در مفاهیمی چون خلاف شأن، موضوع این گونه است. این سخن، بدان معنا نیست که فرد می تواند در غیر امور عمومی، هر رفتاری را انجام دهد و مرتکب هر گناهی شود؛ بلکه بدان معناست که هر فرد وظیفه دارد در هر حال، رعایت دستورات الهی را بکند؛ ولی آن گاه که از حدود الهی تجاوز کرد و در واقع حریم الهی را شکست و در نتیجه ی آن، حریم عمومی از بین رفته است، وظیفه آن است که با ابزارهای دفاعی و منطقی تعبیه شده در دین؛ یعنی امر به معروف و نهی از منکر با آن مقابله کرد. در این حالت، فرد نمی تواند ادعای حریم خصوصی داشته باشد (۸).

۸

۳

نتیجه گیری

اول. «حریم اشخاص» یا «حریم خصوصی» و یا «حق خلوت» از مباحث مهم و جدید حقوق محسوب می شود. به طوری که همواره به عنوان یکی از نمودهای دموکراسی و حقوق بشر در عصر حاضر مطرح بوده و هست.

دوم. به صورت پراکنده در برخی قوانین جمهوری اسلامی ایران، مانند: قانون اساسی، قانون مدنی و قانون مجازات اسلامی ابعاد مختلفی از حریم خصوصی به رسمیت شناخته شده است؛ مانند: اصول ۲۲، ۲۳، ۲۵، ۳۹، قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران؛ مواد ۵۸۰ و ۵۸۲ قانون مجازات اسلامی در مورد ورود غیر قانونی مستخدمان و مأموران قضایی و غیر قضایی دولت به منزل اشخاص، و برای مفتوح، توقیف، معدوم، بازرسی، ضبط، باز کردن مراسلات، استراق سمع مخابرات و مکالمات تلفنی اشخاص مجازات تعیین کرده است. علاوه بر این، فصل سوم قانون آیین دادرسی کیفری تحت عنوان: «تفتیش و بازرسی منازل، اماکن و کشف آلات و ادوات جرم» مقرراتی را در مورد حریم خصوصی منازل و اماکن و اشخاص پیش بینی کرده است.

سوم. علاوه بر ضرورت تدوین و تصویب «قانون حمایت از حریم خصوصی»، اطلاع رسانی و تبیین مصادیق و محدوده ی حریم خصوصی، از ضرورت های دیگر این پژوهش است؛ چه این که صرف تدوین قانون در این زمینه، بدون ارائه آگاهی های لازم به اقشار جامعه، اجرای درست قانون را با مشکل مواجه می سازد. در وهله ی اول، مراکز علمی دانشگاهی و حوزوی، باید به تبیین این مسأله مهم اقبال نشان دهند و آن گاه دیگر اقشار جامعه، به ویژه ضابطین و مجریان قانون باید به ابعاد مختلف حریم خصوصی واقف باشند.

چهارم. حفظ حریم خصوصی افراد از مهم ترین نیازهای بشری است که دولت ها موظفاند با تصویب قوانین و حقوق مناسب در این زمینه پاسخگوی این نیاز اجتماعی باشند؛ زیرا شهروندان در صورتی احساس امنیت و آرامش می کنند که زندگی شخصی خویش را از هرگونه تعرض و تجاوزی مصون بدانند. بنابراین، حفظ حریم خصوصی افراد به منظور حمایت از آزادی های

۸۳. مسعود راعی، حریم خصوصی و امر به معروف و نهی از منکر، مجله حکومت اسلامی، سال پانزدهم، ش ۲ (تابستان ۱۳۸۹)، ص ۱۲۹.

اجتماعی، سیاسی و آزادی‌های بیان و عقیده صورت می‌گیرد تا شهروندان با احساس امنیت بتوانند در جامعه براحتی زندگی کنند و از ابراز عقیده و بیان خویش نهراسند. در این صورت، قطعاً زمینه‌ی مشارکت و همکاری مردم با مسئولان بهتر فراهم می‌شود و از بروز هرگونه هرجو مرج و ناامنی در جامعه جلوگیری می‌گردد.

پنجم. حکومت و دولت مجاز به مداخله و ایجاد محدودیت در جرایم خصوصی و خلوت شهروندان نیست، مگر این که این اقدام برای حفظ نظم اجتماعی ضرورت داشته باشد، و این ضرورت حقیقی و واقعی بوده، نه صوری و خیالی.

ششم. در تعارض بین رعایت «حریم خصوصی» با «منافع عمومی»، رعایت حریم خصوصی بااستثنا مواجه است. محدودیت‌ها و استثنای این اصل، توسط شارع و قانون گذار معین می‌شود.

هفتم. بین اصل رعایت حریم خصوصی افراد و امر به معروف و نهی از منکر تعارضی وجود ندارد.

هشتم. حکومت اسلامی و حاکمان آن در برابر تعلیم و تربیت، جوانان و نوجوانان و عامه مردم مسئول اند و شرعاً و قانوناً مجاز نیستند اسباب و علل کم رنگ شدن دین و اخلاق جامعه را فراهم آورند و می‌بایست در مسیر حفظ سلامت روح و روان جامعه و تعالی اخلاق و کرامت‌های انسانی تلاش کنند.

فهرست منابع و مآخذ:

الف. کتاب‌ها:

جعفری، محمد تقی؛ حکمت سیاسی اسلام، تهران: موسسه تدوین و نشر آثار استاد علامه محمد تقی جعفری، ۱۳۸۹.

ابن حزم؛ المحلی، بی تا، بی جا، بی نا.

ابن عقبه، موسی؛ المغازی النبویه، قم: منشورات ذوی القربی، ۱۳۸۲ ش/ ۱۴۲۴ ق.

ابن کثیر، اسماعیل بن عمر؛ السیره النبویه، بیروت: دارالمعرفه، ۱۳۸۶ هـ . ق.

اصلانی، حمیدرضا؛ حقوق فناوری اطلاعات، تهران: میزان، ۱۳۸۴.

انصاری، باقر؛ حقوق حریم خصوصی، تهران: سمت، ۱۳۷۸.

جعفری، محمد تقی؛ تحقیق در دو نظام حقوق جهانی بشر از دیدگاه اسلام و غرب، تهران: دفتر خدمات حقوقی بین المللی جمهوری اسلامی، ۱۳۷۰.

جوادی آملی، عبدالله؛ فلسفه حقوق بشر، قم: اسراء، ۱۳۸۵.

حسینی، سید ابراهیم و دیگران؛ فلسفه حقوق، قم: مؤسسه امام خمینی، ۱۳۸۵.

حلی، ابن ادریس؛ السرائر، قم: مؤسسه نشر اسلامی، ۱۴۱۱ ق.

- حلی، ابن فهد؛ مذهب البارع، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۳-۱۴۰۷ ه.
- خمینی، روح الله؛ تحریر الوسیله، قم: اسماعیلیان، ۱۳۶۵.
- دهخدا، علی اکبر؛ لغت نامه دهخدا، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۷۳.
- سبحانی، جعفر؛ منشور جاوید، قم: توحید، ۱۳۷۵.
- صدر، محمد باقر؛ آزادی در قرآن، ترجمه هادی انصاری، تهران: روزبه، بی نا.
- طباطبائی مؤتمنی، منوچهر؛ آزادی‌های عمومی و حقوق بشر، تهران:
- طبرسی، فضل بن حسن؛ مجمع البیان، بیروت: دارالکتب الاسلامیه، ۱۹۹۹.
- طوسی، محمد بن حسن؛ المبسوط، چاپ سوم، بیروت، دارالاضواء، ۱۴۰۶ ه.
- عالم، عبدالرحمن؛ بنیادهای علم سیاست، تهران: نشر نی، ۱۳۹۰.
- حر عاملی، وسائل الشیعه، بیروت: آل البيت (ع)، ۱۳۷۰.
- عمید، حسن؛ فرهنگ عمید، تهران: امیر کبیر، ۱۳۶۲.
- عمید زنجانی، عباس علی؛ فقه سیاسی، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۸۵.
- فاضل میبدی، محمد تقی، دین داری و آزادی، تهران: آفرینه، ۱۳۷۸.
- قاضی، ابوالفضل؛ حقوق اساسی و نهادهای سیاسی، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۸۲.
- کاتوزیان، ناصر؛ فلسفه حقوق، تهران: شرکت سهامی انتشار، ۱۳۸۵.
- کریمی نیا، محمد مهدی؛ همزیستی مسالمت آمیز در اسلام و حقوق بین الملل، قم: مؤسسه امام خمینی، ۱۳۸۳.
- مدنی، جلال الدین؛ حقوق اساسی و نهادهای سیاسی جمهوری اسلامی ایران، تهران: پایدار، ۱۳۸۰.
- منتظری، حسین علی؛ دراسات فی ولایة الفقیه، قم: تفکر، ۱۳۷۰.
- مهرپور، حسین؛ حقوق بشر در اسناد بین المللی و موضع جمهوری اسلامی ایران، تهران: مؤسسه اطلاعات، ۱۳۷۷.
- نجفی، محمد حسن؛ جواهر الکلام، بیروت: الاعلمی، ۲۰۰۶.
- الهمیم، عبد اللطیف؛ احترام الحیاة الخاصة، بیروت: دار الاضواء، ۲۰۰۵.

بروجردی، مهدخت؛ حریم خصوصی در جامعه اطلاعاتی، ابرار اقتصادی، ش ۱۰.

راعی، مسعود؛ حریم خصوصی و امر به معروف و نهی از منکر، مجله حکومت اسلامی، سال دوازدهم، ش ۲، تابستان ۱۳۸۹.

شبکه‌های اطلاعاتی جهانی ونقص حقوق بشر باتأکید بر حق حریم خصوصی، جهان اقتصاد، ۱۳۸۳/۵/۱۹، ص ۱.

قیاسی، جلال الدین؛ «حق خلوت در سیاست کیفری اسلام»، مجله پژوهش حقوق دانشگاه قم، ش ۱ (۱۳۸۸).

گروه حقوق خصوصی اداره کل پژوهش و اطلاع رسانی، «گزارش تحلیلی درباره‌ی طرح حمایت از حریم خصوصی»، فصلنامه اطلاع رسانی حقوق، ش ۱۲ (۱۳۸۶).

مصطفی زاده، فهیم؛ جایگاه حق خلوت در حقوق کیفری، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشکده ادبیات دانشگاه قم (۱۳۸۴).

معرفت، محمد هادی؛ «نگاهی به حقوق بشر در پرتو خدا محوری یا انسان محوری»، مجله پژوهش حوزه، ش ۳۱-۳۰.

موسوی بجنوردی، سید محمد و مهسا سلیمانیان؛ «بررسی فقهی - حقوقی حقوق ملت در فصل سوم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران»، پژوهشنامه متین، ش ۳۰.

نمایی، احمد؛ «امر به معروف و نهی از منکر در اندیشه اسلامی»، مجله حکومت اسلامی، ش ۳۳ (۱۳۸۳).